



ماهنامه داخلی قانون و کلاهی دادگستری فارس - کهگیلویه و بویر احمد
شماره ۴۱-۵



در لغت است ایران که ویران شود



حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

منشور

ماهنامه داخلی قانون وکلای دادگستری فارس - کهگیلویه و بویر احمد



شماره چهل و یکم :: خرداد ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۶	سخن سردبیر
۷	ابهام و ابهام‌های فریبده در شعر حافظ
۸	ذهن مغشوش
۹	گزارش عملکرد هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویراحمد
۱۰	سخنگویان قانون (وکلای عصر هخامنشی)
۱۲	تحلیل حقوقی-اجتماعی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر استقلال وکالت در ایران
۱۴	معرفی کتاب
۱۵	مجموعه بیدادگاه
۱۸	حق‌الوکاله‌ای خوشمزه
۲۰	ضرورت و رسالت شورای اقتصادی در بهبود معیشت و کلا
۲۲	در تعارض عدالت و نیکخواهی؛ مدیر عادل یا نیکخواه؟
۲۴	بیانیه کانون وکلای دادگستری منطقه فارس
۲۶	گزارش عملکرد کمیسیون ها
۲۹	جلوه‌های دادگری در منظومه‌ی خسرو و شیرین
۳۲	آموزش وکالت؛ وظیفه‌ای برای ارتقاء صنف، نه ابزار جلب رای
۳۴	مصاحبه اختصاصی با رییس کمیسیون طرح و برنامه کانون وکلای دادگستری منطقه فارس
۳۶	گزارش تصویری
۳۷	کمیسیون حمایت از وکلای کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد
۳۹	نامه به (IBA)

سردبیر: هومان پارسا

مدیر اجرایی: فاطمه نعیم چعبی

طرح جلد: الهام کاتوزیان

طراح صفحات: محبوبه براهیمیان

ویراستار ادبی: مجید رحمانی، مهروش فرهنگند

ویراستار علمی: الهام حیدری،

سیده‌زهره هاشمی‌نیا، محسن فالی

نشانی: شیراز - قدوسی غربی، بین کوچه ۱۴ و ۱۶

تلفن: ۰۷۱۳۶۲۸۶۹۴۲ نمابر: ۰۷۱۳۶۲۷۲۵۸۰

پست الکترونیک: Journal@farsbar.org



انجمن نویسندگان:

مجید رحمانی :: یاسر اینالو :: محمد حسین قهرمانی
 رضا طیب نیا :: فاطمه نعیم چعبی :: الهام حیدری
 مصطفی حسنی :: حسین کاویان پور :: مهروش فرهنگند
 فاطمه رنجبر :: زهرا کرمی راد :: سعید بانشی

* آراء و نوشته‌های نویسندگان مطالب منشور لزوماً دیدگاه منشور و کانون وکلای دادگستری منطقه فارس نیست.



سخن سردبیر

هنوزم ز خردی به خاطر در است
که در لانه ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید
که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر خنده بر گریه ام زد که: هان،
وطن داری آموز از ماکیان

مهر میهن و آموزه های جنگ

■ هومان پارسا

رئیس کانون وکلای دادگستری منطقه فارس

جنگ ۱۲ روزه ای که با شیخون نظامی رژیم متجاوز اسرائیل به حریم مقدس میهن مان ایران آغاز شد و با شکستن مرزهای حقوقی و جغرافیایی، آسیب های جبران ناپذیری به سرمایه های انسانی، علمی و نظامی کشورمان تحمیل نمود، آزمونی بود دشوار که آموزه هایی پربار در بر داشت. آموزه ارزشمند آن، به جهانیان یادآوری تاریخ کهن ایران و همبستگی ایرانیان در دفاع از مرز و بوم خود بود، تا جهان بداند آن جا که پای میهن در میان است، عشق و عرق به وطن عیان است.

تا جهان بداند، همه آن ها که دل در گرو ایران دارند، دست از دامن مام وطن برندارند؛ از هر بوم و قوم، از هر نژاد و نهاد، با هر مکتب و مذهب، در هر مقام و منصب، با هر نگاه و دیدگاه، دست در دست هم می گذارند و گوش به نجواهای شوم بیگانه نمی گشایند و دل به اغواهای خام آن ها نمی سپارند.

تا بار دیگر مردم ایران یک صدا به جهانیان بگویند:

دریغ است ایران که ویران شود.

جنگ بدآهنگ، اما آزمونی دشوار بود که آموزه هایی بسیار برای دولتمردان در بر داشت؛ تا قدر وحدت ملت بدانند و به قدرت ملت متکی باشند و در آیین حکمرانی و کشورداری، سیاست را با کیاست، تحلیل را با تفکر، تحذیر را با تأمل، تدبیر را با تعامل و تغییر را با تکامل پیوند زنند. وفاداران را از ریاکاران، و دوستان را از دشمنان بازشناسند؛ از نثار و شقاق بپرهیزند و صلح و دوستی و شادی و آرامش به میهن هدیه کنند و با مردم ایران آنگونه باشند که شایسته شأن ایران و ایرانی است.



ابهام و ابهام‌های فریبنده در شعر حافظ

قسمت دوم

محمد خلیلی اعلم :: وکیل بازنشسته دادگستری

فوق‌العاده ولی در مجموعه شعر را از مسیر واقعی و خیال‌انگیز خودش دور می‌کند و خواننده عادی غالباً چیزی از آنها در نمی‌یابد و خواننده شعر سبک او را نیز دچار خستگی و دل‌زدگی می‌کند گویی معما نیست که باید به زحمت آن را کشف کرد. روح و جوهر سیال شعر خیال‌انگیز و لطیف و با ذوق و احساس دقیق در این نوع سبک شعر دیده نمی‌شود در حالیکه در شعر حافظ یک خواننده عادی هم مفهومی دلنشین که موافق طبع او قرار می‌گیرد در می‌یابد اگرچه غالباً به اشتباه از آنچه مقصود شاعر است اما ادیبان و نکته‌سنان با فرو رفتن در مفهوم ظاهری آن ممکن است چند معنا و پیچ و خم دیگر در آن پیدا کنند که نمی‌دانند کدام طرف بروند و کدام یک منظور شاعر است زیرا حافظ یک صفت گر کلمات و یک معما پرداز است که خواننده را ناراحت و مایوس نمی‌کند. در اینجا به هیچ وجه قصدم از مقایسه صائب و سایر شعرای سبک به اصطلاح هندی با حافظ نیست زیرا این دو از مقوله‌های متفاوت هستند. حافظ یک استثنا و یک پدیده شگرف در شعر فارسی و حتی در ادبیات جهان است. جایگاه و مقام و موقعیتی در کلام و خیال او متصور است که هیچ شاعر البته باز هم تکرار می‌کنم به استثناء شیخ اجل سعدی که او علاوه بر آنکه تقدم فضل بر حافظ دارد و نظم و نثر او یک رودخانه خروشان و زلال و گوارا و پر از حکمت و درس زندگی است و مقام و موقعیتی کاملاً ویژه و رفیع دارد ولی دیگران از جهات خمیر مایه و رمز و راز و ابهام و ابهام، هیچ شاعر دیگری در ادبیات پارسی نتوانسته‌است به آن راه یابد. به هر حال حافظ یک راز و یک قله پوشیده در مه و ابرهای متراکم است.

ادامه دارد...

با بررسی تاریخ کهن و بسیار تابناک شعر فارسی که از جهت کلام منظوم بدون تردید درخشان‌ترین و فاخرترین در ادبیات جهان محسوب می‌شود و علت آنکه هنوز کم به این برتری پرداخته‌اند، عدم امکان انتقال بیان و مفهوم شعر پارسی به وسیله ترجمه به زبان‌های دیگر است. چگونه می‌شود شعر حافظ را با آن همه ابهام و ابهام و رمز و راز و پیچیدگی به زبان‌های دیگر ترجمه و بازگو کرد و به یک شخص غیر فارسی زبان انتقال داد. حافظ عصاره و حاصل چهار قرن شعر پارسی قبل از خود است و بیشتر آنچه ظرافت‌ها و زیبایی‌ها و هنر و قوت طبع در شعرای قبل از خود داشته‌است به ویژه استاد سخن سعدی که حافظ بسیار از آن متأثر بوده‌است. او به نحو فاخر و بیانی شاید شیواتر از اکثر ایشان البته به استثنای سعدی سروده‌است و در مجموع و به طور کلی صرف نظر از استثنائات در هزار سال و هزاران سخنور و سخن‌سنج پارسی یک چنین سراینده‌ای در غزل مشاهده نمی‌شود. گستردگی مفاهیم و معنای و نازک طبعی و خیال‌انگیز و صور خیال در شعر و ابداع مضامین بکر و بهتر گویم

پر ابهام و ابهام و استعاره و رعایت صناعات

ادبی و بدیع دیده نمی‌شود. در پهنای

شعر فارسی شعرای سبک به اصطلاح

هندی از جمله کلیم کاشانی و بیدل

دهلوی و بسیاری دیگر می‌توان

صائب را برجسته‌ترین شاعران

این سبک نامید که زبان او پر

از نازک‌کاری و تخیل و ظرافت

و زیبایی است. آنچنان با

مهارت حتی اشیا پیرامون خود

را در کلام موزون وارد کرده

که حیرت‌انگیز است ولی

این ظرافت‌ها و این ابهام

و پیچیدگی و کش و قوس‌ها پر

از تعبیر و معضلات بوده و استمرار مطالعه

آن‌ها بیشتر ملال‌آور است. تکبیت‌های





ذهن مغشوش

✦ مریم میردی :: وکیل پایه یک دادگستری ✦

آدمم ، حوا اگر چه رانده از درگاه تو
ضامنم این آیه‌های سبز قرآن می‌شود
می‌رسد روزی که تا عرش خدا راهم دهند
خانه‌ام رضوان و گردشگاه ، کیهان می‌شود
خلوتم آن آسمان است و چراغم ماهتاب
چهره‌ام روشن تر از خورشید تابان می‌شود
ابتدا شعری نوشتم تا کنم تقدیم تو
بس که مغشوش است ذهنم، شعر این سان
می‌شود
اینکه من در لحظه‌ای عاشق شدم عیبم مکن
هر کویری عاشق رگبار باران می‌شود
من اگر قربانیم یا عاشقم از سادگیست
او چرا مغرور و مست از لطف و احسان می‌شود
در نظربازی و رندی شهره شهری و این
پند زیبایی برای جمع یاران می‌شود.

تا که در اندیشه ام رویت نمایان می‌شود
سر به سر دنیای من گویی گلستان می‌شود
بس که خوبی، بس که نابی، بس که هستی مهربان
غصه از دل دور و تنهایی گریزان می‌شود
چشمه‌ایت آبی آرامش است ای نازنین
لیکن از آرامشش این در پریشان می‌شود
ترس این دارد که آرامش دهد بر دیگران
دل که عاشق شد چرا این گونه نادان می‌شود؟
خنده‌ات شادی دهد بر روح و جان خسته‌ام
مرغ غمگین دلم مرغی خوش الحان می‌شود
گر نبینم روی ماهت را برای لحظه‌ای
بی‌گمان کنج دلم اندوه مهمان می‌شود
ای دریغ از عشق بی‌حاصل، دریغ از عمر من
یک تنه قربانی این عهد و پیمان می‌شود
می‌روی روزی، مرا تنها گذاری عاقبت
خوی انسانی چرا این گونه حیوان می‌شود؟
از جفا آخر چه حاصل دارد این نوع بشر
کز جفاکاری چنین مست و غزل خوان می‌شود
عصر ما عصر افول و مرگ انسانیت است
ای دریغ از مرگ ما، ابلیس خندان می‌شود
این همه نامردمی، جنگ و ستیز از بهر چیست؟
ای خدا آیا دگر انسان به رضوان می‌شود؟
بس به ظاهر ناله از دوری و از یاری کنند
قسمت این ناله‌ها آیا نیستان می‌شود؟
این فریب و این دورویی، این ریا و بزدلی
لایق بخشایش و عفو تو رحمان می‌شود؟
تا به کی پنهان شوید اندر لباس میش و بُز
تا به کی خورشید پشت ابر پنهان می‌شود
گر چنین خویی شود ارثیه ی فرزند تو
حادثه خیزد، بلا آید ، زمستان می‌شود

گزارش عملکرد هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد

فرشید احمدی :: سخنگوی هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد



■ خردادماه ۱۴۰۴

در خردادماه سال جاری، هیأت مدیره کانون وکلای فارس، کهگیلویه و بویر احمد در ادامه مسیر برنامه‌ریزی و تنظیم ساختارهای اجرایی، چهار نشست رسمی تشکیل داد. تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌های ساختاری، نمایندگی شهرستان‌ها، امور کارآموزی، کمیسیون‌ها، بودجه و رفاه مورد توجه قرار گرفت.

■ ساختار و آیین‌نامه‌ها

- آیین کار شورای اقتصادی با سه فصل، پانزده ماده و سه تبصره تصویب شد.
- آیین کار شورای رسانه مورد بررسی قرار گرفت اما به دلیل شائبه تداخل عملکرد با برخی کمیسیون‌ها، جهت اصلاح به شورا بازگردانده شد تا در جلسه آتی هیأت مدیره مجدداً مطرح شود.
- آیین‌نامه پیشنهادی نقل و انتقالات و تعیین محل اشتغال وکلا نیز با اصلاحاتی در ۱۷ ماده و ۱۹ تبصره به تصویب نهایی رسید.

■ ترکیب دادیاران، نمایندگان و کمیسیون‌ها

- اعضای متعددی در کمیسیون‌های روابط عمومی، رفاه، بازرسی، کارآموزی، معاضدت، سازش، فرهنگ و هنر، بانوان، علمی تخصصی و کمیسیون وکالت اتفاق منسوب شدند.
- همچنین پیشنهاد افزایش هزینه صدور پروانه وکالت اتفاق به مبلغ ۵۰ میلیون ریال و اخذ استعلامات قانونی برای احراز صلاحیت متقاضیان نیز به تصویب رسید.

■ گسترش ساختار نمایندگی در شهرستان‌ها

در راستای گسترش پوشش ساختاری در مناطق مختلف دو استان، نمایندگان متعددی در جلسات اخیر انتخاب شدند:

- از جمله: آقایان و خانم‌ها در حوزه‌های زرکان، استهبان، لامرد، قیروکارزین، فراشبند، کوار، بوانات، کوهپنار، بیضاء، بالاده، گراش، خفر، پاسارگاد، خرامه، خنج، خرم‌بید، مرودشت، جهرم، لارستان، فیروزآباد، فسا، ممسنی، نی‌ریز، داراب، اقلید، سپیدان، آباده، سروستان و نیز نمایندگان رابط چهار شهرستان در کهگیلویه و بویر احمد.

■ امور مربوط به آزمون‌ها و کارآموزی

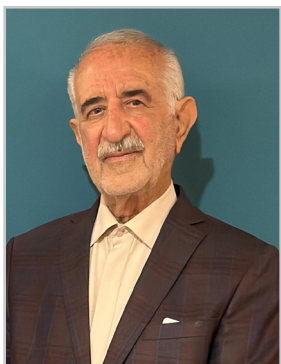
- درخواست تعدادی از پذیرفته‌شدگان آزمون ۱۴۰۳ برای

جایابی به استان فارس، در صورت احراز تراز مشابه پذیرفته‌شدگان فارس، مورد موافقت قرار گرفت.

- برای کارآموزانی که در سال‌های گذشته در سایر کانون‌ها دوره گذرانده‌اند و مجدداً در آزمون قبول شده‌اند، معافیت از مرحله اول کارآموزی تصویب شد.

■ امور رفاهی و اطلاع‌رسانی

- درخواست تهیه تلفن گویا برای کمیسیون حمایت از وکلا پذیرفته شد.
- پیشنهاد اختصاص صفحات مجزا برای کمیسیون‌ها در وبسایت کانون جهت اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها، جلسات و عملکرد نیز مورد تأیید قرار گرفت.
- کمیسیون پارلمانی با هدف تعامل با نمایندگان مجلس تشکیل شد.



سخنگویان قانون (وکلاى عصر هخامنشى)

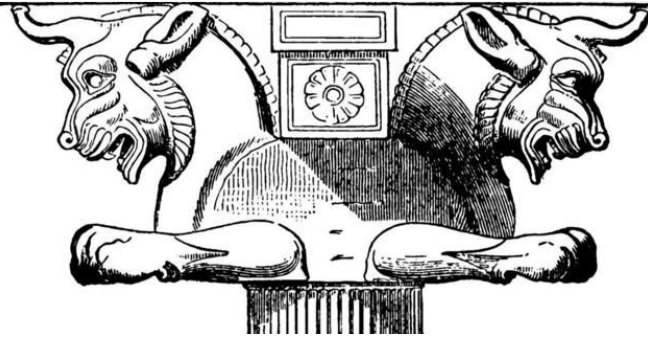
سید اسدالله سید افقهی
وکیل بازنشسته دادگستری

هرچند وکیل در دفاع از موکل آزاد است، اما به جهاتی ملزم به رعایت نکات و اموری در ارتباط با اخلاق، عدالت، انصاف، قانون، شأن و جایگاه خویش است. با این حال، بیش از این نباید خود را مقید و محدود سازد و برای دفاعیات و اقدامات وکالتی خود قالب‌های ذهنی بسازد و خود را ملزم به رعایت بعضی معانی و مفاهیم شعارگونه کند. مانند شعار «دفاع از حق و نه دفاع از شخص» یا «دفاع مبتنی بر قانون و مقررات و نه عدل و انصاف» یا «وکالت به هر تقدیر و قیمت». کسانی که با چنین پیش‌زمینه‌هایی قیام به دفاع و کار وکالتی می‌کنند، دچار ایرادات و مشکلاتی می‌گردند. کار وکالتی و امر دفاع از موکل، معجون و ترکیبی است از دانش و اطلاعات وکیل، مستندات موکل، قانون و مقررات، اعمال اخلاق و تدبیر. به همان اندازه که داشتن دانش حقوقی در دفاع ضروری است، درایت و تدبیر نیز در نحوه و کیفیت طرح دعوی اهمیت دارد، کما اینکه هوش و فراست وکیل هم از اهمیت زیاد برخوردار است. کار وکالتی، همانند قضاوت، دارای دو بُعد است: یک بُعد آن، اخلاق، عدل و انصاف است و بُعد دیگر آن، استناد به دلیل، سند، قانون و مقررات. وکالت درست و حقه آن است که وکیل به هر دو جنبه توجه داشته باشد تا دفاع شایسته محسوب شود. صحت این نظر هنگامی آشکار می‌شود که این دو بُعد در تعارض قرار گیرند؛ یعنی اسناد، دلایل و مواد قانونی دلالت بر بی‌گناهی و حقانیت موکل داشته باشد، اما اوضاع و احوال کلی پرونده و گواهی قلب و دل و وجدان، دلالت بر گناه‌کاری و بی‌حقى موکل کنند.

در این صورت، وکیل توانسته گناه‌کاری را تبرئه و غیرمحقق را محقق سازد و خود را در عالمی برزخی بیابد و این عذاب، در عین حال توفیق است، توفیقی عذاب‌آور. وکیل باید در عالم واقع زندگی کند و به واقعیات اعتقاد داشته باشد تا بتواند از ذات معلوم دفاع کند، نه از مفاهیم و معانی. آن دسته از وکلای محترمی که خود را صاحب اعتقاد می‌دانند و قائل به وجود حق هستند و خود را موظف به دفاع از حق می‌دانند نه از شخص، لازم است توجه داشته باشند که شعار «دفاع از حق» هرچند خوش‌آهنگ و شنیدنی است، اما «حق» مفهومی است که نزد همه یکسان نیست. حق، مفهومی است تعریف‌نشده، نامعین و ناشناخته. چگونه می‌توان از چیزی دفاع کرد که تعریف دقیق، عینی و همگانی ندارد؟ حق، واژه‌ای است با معانی متعدد و متفاوت. با همه آشنایی‌اش، نیمه‌آشنا باقی مانده است. معلوم نیست نزد این افراد، واژه‌ی حق چگونه تعریف و معنا شده که تا این حد بدان پایبند هستند.

اینجانب، سید اسدالله سیدافقهی، از جمله کسانی بودم که معتقد بودند از حق باید دفاع کرد نه از شخص. حتی روی اولین کارت ویزیت وکالتی‌ام نوشته شده بود: «به خاطر





شده است. ملاحظه می‌شود که قانون و عدل یکی و هم‌معنا شده‌اند و پذیرش این امر امروزه برای ما دشوار است.

در کورش‌نامه می‌خوانیم که کورش از قول استاد خود می‌گوید:

«عدالت آن است که به مقتضای قانون و حق باشد و هر چه از راه حق منحرف شود، ستم و بی‌عدالتی است. قاضی دادگاه آن است که حکمش به اعتبار قانون و مطابق حق باشد».

مادر کورش به او می‌گوید:

«در نزد پارس‌ها، مساوات در برابر قانون را عدالت می‌نامند».

باز هم ملاحظه می‌شود که قانون، عدالت، حق، مساوات و داد چنان در هم آمیخته‌اند که باید با هم در جامعه حضور داشته باشند تا مردم در آسایش باشند. در این عبارات، هیچ‌گاه واژه‌های «حق»، «قانون»، «عدل» و «داد» به‌صورت منفرد تعریف نشده‌اند، بلکه باید معانی‌شان را از لابه‌لای متون دریافت.

دفاع وکیل و کار وکالتی، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ قضاوت دارد. در زمان هخامنشیان، در کنار دستگاه قضا، گروهی خاص به نام «سخنگویان قانون» به وجود آمدند که مردم در امور قضایی با آن‌ها مشورت می‌کردند و برای پیش‌برد دعاوی از ایشان یاری می‌جستند. این گروه، پایه‌گذار اندیشه‌ی پیدایش کسوت وکالت و تأسیس نهاد و کانون وکلای امروز در ایران و جهان‌اند. نباید گمان کرد که کانون وکلا تقلیدی از غرب است.

پیدایش «سخنگویان قانون»، نهاد خودجوش مردمی است که تاکنون مستقل و استوار باقی مانده و میلی به وابستگی ندارد. ای کاش وکلا به عبارت «کانون وکلا» بسنده می‌کردند و نیازی به وابستگی به دادگستری حس نمی‌کردند. آن‌ها که این انتساب را لازم دانستند، شاید گمان می‌بردند روزی، دادگستری پشتیبان کانون خواهد شد؛ غافل از اینکه نه‌تنها حمایتی در کار نبود، بلکه دستگاهی موازی برای کانون ساختند و به قول «باجی‌خانم‌ها»، بر سر او هوو آوردند.

استقرار عدالت، به‌عنوان یک موکل از وکیل بخواهید از حق دفاع کند نه از شخص و من، همان‌گونه که به خدای نادیده و ناشناخته باور پیدا کرده بودم، به حق ایمان و اعتقاد داشتم. امروز اگر کسی از من بپرسد دلیلت چه بوده، عاجزم از ذکر دلیل؛ اما برای کار خود استدلال دارم.

حق، واژه‌ای عربی است از ریشه‌ی «حَقَق» به معنی راست کردن سخن، درست کردن وعده، درست دانستن، یقین نمودن، ثابت شدن، واجب شدن و سزاوار گرداندن.

«حقیقت» یعنی چیزی که به‌طور قطع و یقین ثابت است، عین واقع.

به نظر اینجانب، از مجموع این معانی می‌توان استنباط کرد که آنچه راست و درست و یقین و ثابت است، جانب موکل است و او حق به‌جانب است. و من وکیل، از حق او دفاع می‌کنم یا از شخص او دفاع می‌نمایم، چون او حق دارد. نه اینکه چون او موکل من است.

وکیل، غرقه میان مفاهیم و معانی حق و حقیقت، حقوق و قانون و عدالت، باید به کمک سیاست، تدبیر، هوش، دانش، اطلاعات و با حفظ شأن و جایگاه، کار درست و کالتی خود را از دل این اوضاع و احوال بیرون بکشد؛ به‌گونه‌ای که هم وجدان راضی باشد، هم موکل.

این کار دشواری است؛ زیرا نارسایی در تعریف «قانون»، «حق»، «حقوق»، «عدالت» و «مساوات» از قدیم در این حوزه وجود داشته و تاکنون هم تعاریف دقیق، مشترک و مورد قبول همگان از این مفاهیم ارائه نشده است. این دو کلمه‌ی «حق» و «عدالت» سیال‌اند و معانی‌شان در گذر زمان تغییر می‌کند؛ موضوعی که کار قاضی و وکیل را دشوارتر می‌سازد.

مرتضی راوندی در کتاب سیر قانون دادگستری در ایران می‌نویسد:

کلمه «دات» در زبان فرس قدیم، هخامنشی و اوستا به معنی «قانون» است و همین کلمه در فارسی تبدیل به «داد» گردیده است.

کلمه «داتیک» که مشتق از «دات» است به معنی «عدل» بوده و در زبان پهلوی به معنی «قانون» گرفته



تحلیل حقوقی-اجتماعی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر استقلال وکالت در ایران

بهنام قشقایی :: وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

در سال‌های اخیر، شبکه‌های اجتماعی به بستری برای بروز و تبادل آزاد افکار و نقد عملکرد نهادهای مختلف، از جمله نهاد وکالت، تبدیل شده‌اند. این تحول، اگرچه به ارتقای شفافیت و مشارکت عمومی در مسائل حقوقی انجامید، اما چالش‌هایی نیز برای استقلال نهاد وکالت و شأن حرفه‌ای وکلای پدید آورده است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر استقلال حرفه‌ای وکلا در ایران می‌پردازد و سعی دارد ضمن تبیین ابعاد مختلف این پدیده، به ارائه راهکارهایی برای حفظ شأن، استقلال و کارآمدی این نهاد در بستر فضای مجازی بپردازد.

مقدمه:

عمومی به اطلاعات حقوقی ایفا کرده است. ۳. ایجاد شبکه‌های حمایتی: همبستگی میان اعضای صنف در موارد خاص، مانند دفاع از حقوق وکلا در برابر برخوردهای غیرمنصفانه یا حمایت از اصلاحات صنفی، از مزایای تعاملات مجازی است.

(ب) چالش‌ها و تهدیدها:

۱. تضعیف شأن حرفه‌ای: انتشار مطالب غیرمستند، شخصی‌سازی انتقادات، و بعضاً هتاک‌ها در فضای مجازی، می‌تواند به تضعیف منزلت وکلا و کاهش اعتماد عمومی نسبت به این حرفه منجر شود.

۲. خدشه به استقلال نهاد وکالت: مداخلات بیرونی در فضای مجازی، از جمله هدایت افکار عمومی یا سازمان‌دهی حملات علیه نهاد وکالت، ممکن است استقلال کانون‌های وکلا را با تهدید مواجه سازد.

۳. تعارض با اخلاق حرفه‌ای: برخی رفتارهای مجازی، مانند افشای اطلاعات محرمانه موکل یا رقابت‌های ناسالم تبلیغاتی، با اصول اخلاق حرفه‌ای در تضاد است و نیازمند ضابطه‌مندی بیشتر در این عرصه است.

نهاد وکالت، به‌عنوان یکی از ارکان مهم تحقق عدالت، نیازمند استقلال در برابر قدرتهای حاکمه و سایر نهادهاست. در دهه اخیر، گسترش سریع شبکه‌های اجتماعی، فضای جدیدی برای تعاملات اجتماعی، ابراز عقاید و همچنین نقد نهادهای صنفی، از جمله کانون‌های وکلا، ایجاد کرده است. این فضا، اگرچه زمینه‌ساز رشد آگاهی عمومی و افزایش مطالبه‌گری شده است، اما هم‌زمان تهدیدهایی نیز برای نظم صنفی، اخلاق حرفه‌ای و اعتماد عمومی نسبت به نهاد وکالت به همراه دارد. الف) تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی:

۱. ارتقای شفافیت و مطالبه‌گری: وکلا و کارآموزان با بهره‌گیری از این فضا می‌توانند ضعف‌های ساختاری و عملکردی در نظام حقوقی و صنفی را مطرح کنند که موجب افزایش پاسخ‌گویی نهادها و تقویت دموکراسی در درون صنف می‌شود.

۲. آموزش عمومی و ترویج فرهنگ حقوقی: فعالیت‌های آموزشی و تبیینی در شبکه‌های اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای سطح دانش حقوقی جامعه و افزایش دسترسی

۳. حمایت از حق آزادی بیان، توأم با نظارت معقول
صنفی برای پیشگیری از افراط و تفریط.
۴. تقویت جایگاه روابط عمومی کانون‌ها برای
پاسخ‌گویی به افکار عمومی و جلوگیری از گسترش
شایعات.

(پ) راهکارهای پیشنهادی:
۱. تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی و حرفه‌ای ویژه
فعالیت در فضای مجازی از سوی کانون‌های وکلا.
۲. برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص رفتار حرفه‌ای
وکلا در شبکه‌های اجتماعی.

منابع:

منابع فارسی:

۱. کانون وکلای دادگستری مرکز، «آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای وکلا»، مصوب ۱۳۹۵.
۲. دکتر عباسی، محمدرضا، استقلال وکالت در نظام حقوقی ایران، انتشارات میزان، ۱۳۹۸.
۳. خراسانی، سعید، «نقش شبکه‌های اجتماعی در تغییر ساختارهای صنفی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، ۱۴۰۰.
۴. یوسفی، نیما، «چالش‌های اخلاقی وکلا در فضای مجازی»، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۴، ۱۴۰۱.

منابع انگلیسی:

1. International Bar Association (IBA), International Principles on Conduct for the Legal Profession, 2011.
2. American Bar Association (ABA), Model Rules of Professional Conduct, Rule 1.6 & 7.1, 2020.
3. Susan Saab Fortney, "Online Professionalism and Social Media Ethics for Lawyers", Journal of the Legal Profession, Vol. 44, 2020.

نتیجه‌گیری:

فضای مجازی، فرصتی است
بی‌بدیل برای ارتقای نقش وکلا در
جامعه و گسترش عدالت، اما این
فضا باید با تدبیر، ضابطه‌مندی
و رعایت اصول حرفه‌ای مدیریت
شود تا از تهدید به فرصت بدل
گردد. صیانت از استقلال وکالت
در این بستر، مستلزم هم‌افزایی
نهادهای صنفی، نخبگان حقوقی
و جامعه است.





شیلا شیعه زاده

وکیل پایه یک دادگستری و رییس کمیسیون آموزش کانون وکلای دادگستری منطقه فارس



ادامه کتب نسل دومی است. اهمیت تألیف این کتاب به آن جهت است که مبنا و پایه آموزش حقوقی در کشور ما، حقوق خصوصی و حقوق جزا است؛ لذا نگارش چنین آثاری به توسعه ادبیات حقوق عمومی منجر شده و بر غنای آن خواهد افزود.

به لحاظ شکلی، مباحث کتاب در چهارصد و شانزده صفحه، ذیل پنج فصل و چندین گفتار با نثر و نگارشی روان، به رشته تحریر درآمده است. طرح پرسش در ابتدا و ذکر خلاصه مطالب در انتهای هر گفتار، از ابداعات منحصر به فرد نویسنده است که به سبب انسجام بیشتر، به ذهن خواننده کمک خواهد کرد. همچنین، مؤلف محترم با خلاقیت، سرفصل‌ها را در دسته‌بندی‌های جدیدی قرار داده که پیش از این سابقه نداشته و در راستای تبیین بیشتر موضوعات، به آراء متعدد و رویه‌های قضایی در بخش پاورقی‌ها استناد کرده است.

از نظر ماهوی نیز، کتاب از مبانی و بنیان‌های نظری قوی برخوردار بوده و به جنبه‌های بومی حقوق اداری با در نظر گرفتن مصوبات شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی نیز پرداخته شده است. تسلط نویسنده محترم به زبان فرانسه و همچنین سوابق اجرایی ایشان، کتاب حاضر را از حالت خشک و غیرکاربردی خارج کرده است. این کتاب، منبع مناسبی جهت تدریس در مقطع کارشناسی حقوق بوده و مطالعه آن به دانشجویان تحصیلات تکمیلی گرایش حقوق عمومی نیز توصیه می‌شود.

یکی از جدیدترین تألیفات در حوزه حقوق عمومی، کتاب «حقوق اداری (مبانی و سازمان‌های اداری)» است که در فروردین‌ماه سال جاری (۱۴۰۴) توسط نشر میزان منتشر گردید. این کتاب، جلد نخست از دوره جامع حقوق اداری است که در آینده چاپ خواهد شد؛ با این توضیح که تألیفات حوزه حقوق اداری در کشور ما چند نسل یا مرحله را پشت سر گذاشته است.

پیش از انقلاب و در نسل اول، با آثاری مبتنی بر ترجمه مواجه هستیم که مباحث بیشتر به‌صورت تئوریک تبیین شده‌اند. در همین راستا، مفاهیم پایه‌ای نیز ترجمه یا برگرفته از سنت فکری نظام‌های حقوقی هستند که نویسندگان نسل اولی، متأثر از آن‌ها بوده‌اند. تدریجاً و بعد از انقلاب، خوشبختانه تألیفات از حالت تئوریک صرف خارج شده و جنبه‌های عملی و کاربردی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. این در حالی است که گفته می‌شود: «حقوق اداری،

حقوق زندگی اجتماعی است» و هیچ شهروندی بی‌نیاز از آن نخواهد بود. در عین حال، اکثر ما در دوره کارشناسی، درس حقوق اداری را در قالب دو واحد درسی، به‌صورت خشک و غیرکاربردی فراگرفته‌ایم.

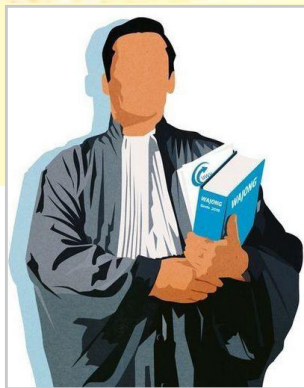
کتاب «حقوق اداری (مبانی و سازمان‌های اداری)» که توسط جناب آقای دکتر محمدرضا ویژه، رئیس دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی و عضو هیأت علمی این دانشگاه، به زیور طبع آراسته شده، در





شماره‌ی اول از مجموعه بیدادگاه

عالیجناب وکیل



دلتنگی‌های آدمی را باد ترانه‌ای می‌خواند
روپاهایش را آسمان پرستاره نادیده می‌گیرد
و هر دانه‌ی برفی به اشکی نریخته می‌ماند...
سال‌ها پیش این متن را خوانده بودم؛ زیبا بود.
اما شاید هیچ‌وقت به اندازه‌ی این سال‌های
دلتنگی، سال‌هایی که دهه‌ی چهارم زندگی‌ام
با سرعت می‌گذرد، معنای آن را حس نکرده
بودم.
دلتنگی با هر قطره‌ی باران، دلتنگی با بوی
عطری آشنا، دلتنگی در مسیر باده‌ها و گذر
زمان...
گویند با عشق، زمان فراموش می‌شود؛ باور
دارم، حس کرده‌ام. اما آیا با زمان، عشق
فراموش می‌شود؟
نه، نه به وسعت تاریخ پرماجرایی عشق و جنون.
شاید باید عادت کرد، از جایی به بعد باید با
دلتنگی‌ها کنار آمد و دل‌خوش به خاطراتی شد
که زندگی همان‌جا، در همان خاطره‌ها مانده

هر پرونده، فقط چند برگ نیست. گاهی میان
قانون، صدای تپش یک قلب شکسته شنیده می‌شود و در سطرهای
خسته‌ی یک لایحه، بوی عطری از گذشته پنهان است. عالیجناب
وکیل فقط یک وکیل نیست. او انسانی‌ست گرفتار در میانه‌ی جدال
عقل و احساس، میان قانون و عدالت و میان حقیقت و گذشته‌ای
که همچون بوی باران، رهایش نمی‌کند. این رمان، روایاتی‌ست از
تقاطع عشق و جنایت؛ از پرونده‌هایی که در دل شب گشوده می‌شوند
و برگه‌هایی که گاه فقط یک نام یا یک امضا، خواب را از چشمان
وکیل می‌ریزد. از وکیلی در آستانه‌ی چهل و یک‌سالگی که نه تنها
برای تبرئه‌ی موکلش بلکه برای نجات خودش از خاطراتی زنده
می‌نویسد.

می‌جنگد.

و هر بار، به ژرفای وجدانش فرو می‌رود.

در بیدادگاه، هیچ حکم رسمی‌ای صادر نمی‌شود اما هر بار، یک نفر
محکوم می‌شود...

یا در دادگاه.

یا در دل خودش.

شماره‌ی اول بیدادگاه را اکنون با هم می‌خوانیم.

در انتظار شماره‌های بعدی باشید...



است. فکر می‌کردم کتاب‌هایی است که سفارش داده بودم. اما حالا آن بسته شبیه پنج جلد کتاب سفارشی‌ام نبود. روی آن بسته نوشته شده بود: برسد به دست وکیل پندار ارجمند. حسی درونم شکل گرفت. همیشه بوی دردسر را از قبل حس می‌کردم. کنجکاو شدم. پشت میز منشی نشستم. بسته را باز کردم و کاش... کاش زندگی ما را برخی «کاش»‌ها احاطه نکرده بود. وکیل که باشی، سریع‌تر از بقیه برگه‌های پرونده را می‌شناسی؛ برگه‌ی بازجویی، صورت‌مجلس، گزارش ضابطین، انگشت‌نگاری و... اسمی آشنا روی برخی از برگه‌ها... خدایا... چه شبی است! چه کسی با من شوخی می‌کند؟ آن اسم تو جهم را جلب نکرد... نفسم را بند آورد. لحظه‌ای فکر کردم تشابه اسمی ست. بیشتر خواندم، صفحات بعد: نام، نام خانوادگی، نام پدر، تولد... نمی‌توانست تشابه اسمی باشد. احساس کردم هوای محیط سیاه شد. ضربان قلبم بالا رفت. بدنم سرد شد. کف دستم خیس شد. همیشه این‌گونه بودم؛ موقع هیجان، ناراحتی یا استرس، سرد می‌شدم و عرق می‌کردم. به اتاق برگشتم. پرده را کنار زدم. پنجره را باز کردم. هنوز باران می‌بارید. سرم را کمی از پنجره بیرون بردم. چند نفس

است؛ زمان همان‌جا متوقف شده و در بیدادگاه زندگی محکوم شده‌ایم. باران می‌بارد. صدایش را از پشت پنجره می‌شنوم. پرده را کنار زدم. پنجره را باز کردم. سردی هوا را بر صورتم حس کردم. دستم را بیرون بردم و چند قطره‌ی باران را دشت کردم. برگشتم. ساعت را نگاه کردم؛ حوالی دوازده شب، من در دفترم مشغول نوشتن لایحه‌ام. فردا جلسه‌ی دادگاه است. موکلم به اتهام محاربه تحت محاکمه است. نگران وضعیتش هستم و تا این وقت شب مشغول مطالعه و نوشتن: قانون، ماده، تبصره، رأی وحدت رویه، نظریه‌ی مشورتی، قاعده‌ی فقهی و... گاه وکیل به اندازه‌ی موکلی که درگیر مشکلات زندگی و حقوقی است، غصه می‌خورد و استرس تحمل می‌کند. شاید وکالت به درد آدم‌های احساسی نمی‌خورد. حسابی خسته‌ام.

باران، هدیه‌ی خدا بود برای رفع خستگی چند ساعت کار. لیوان را پر از چای کردم.

دستگاه پخش موسیقی را روشن کردم.

رفتم کنار پنجره برای تماشای باران. همایون می‌خواند:

من کجا، باران کجا و راه بی‌پایان کجا

آه این دل‌دل زدن تا منزل جانان کجا

هرچه کویت دورتر، دل تنگ‌تر، مشتاق‌تر

در طریق عشق‌بازان مشکل آسان کجا...

باران می‌بارید، چشمان من هم. همایون می‌خواند. افکارم با خاطراتی گره خورد؛ خاطراتی نه‌چندان دور.

می‌گویند وقتی آدمی زیاد به گذشته فکر می‌کند، در حال پیر شدن است. نمی‌دانم، شاید درست است.

من، وکیل در آستانه‌ی چهل و یک سالگی، چند سالی می‌شد که دائم به گذشته وصل می‌شدم و اندوه، دلتنگی...

تراپیستم توصیه کرده بود:

«هر وقت به گذشته‌ای وصل شدی که آزارت می‌دهد، سعی کن سیم‌های ارتباط را قطع کنی.»

اما مشکل آن‌جا بود که سیم‌های ارتباط یکی‌دوتا نبودند؛ گاه باران، گاه بوی عطری آشنا، گاه چهره‌ای شبیه او، گاه صدایی یا حتی کلماتی و شهری پر از خاطره... کاش می‌شد این سیم‌های لعنتی را کلاً از بین برد. پنجره را بستم، پرده را کشیدم، موسیقی را قطع کردم به خیال قطع ارتباط با گذشته‌ای که بوی باران می‌داد.

شاید بیهوده تلاش می‌کردم. بعضی چیزها را نمی‌شود فراموش کرد، حتی اگر در عصری دیگر، هزار سال بعد به دنیا بیایی و عاشق آدم دیگری شوی، باز گوشه‌ای در کنج قلبت هست که جای هیچ‌کس نیست جز او. نمی‌دانم...

شاید شبی که برای اولین بار او را دیدم، برای بار دوم به دنیا آمده بودم و باز دنبال او می‌گشتم، چون عجیب آشنا بود. شاید در زندگی قبلی‌ام. شاید... تناسخ؟ شاید آن‌که برای اولین بار «تناسخ» را مطرح کرد هم، چند بار زیسته بود. باید از این افکار خلاص می‌شدم. کیفم را برداشتم. از اتاق بیرون آمدم. روی میز منشی، بسته‌ای را دیدم.

یادم آمد منشی موقع رفتن گفت پیک موتوری بسته‌ای به اسم من آورده

عمیق کشیدم.

کمی بهتر شدم. نیرویی درونم فریاد می‌زد: بگذر و برو.

نیرویی دیگر، اجازه نمی‌داد. دومی پیروز شد. همیشه، حتی از کودکی، وقتی بابت انجام کاری نگران بودم، دو نیرو در درونم در جدال بودند و اغلب نیرویی که غلبه‌ی احساسی داشت، بر نیروی عقلی چیره می‌شد و بیچاره عقل، که اغلب در جدال با قلب می‌بازد. احساس در آدم‌های احساسی همیشه دست برتر را دارد. روی صندلی پشت میز نشستم. کپی پرونده‌ای که معلوم نبود چه کسی ارسال کرده بود، مقابل چشمانم بود. شروع به خواندن کردم:

قتل عمد و متهم...

گاهی آدمی دوست ندارد برخی چیزها را باور کند. من هیچ‌وقت دوست نداشتم چیزهایی را که نمی‌پسندیدم، باور کنم. دست من نبود. انگار فیزیولوژی بدنم نمی‌توانست برخی چیزها را بپذیرد. یا هزار دلیل ردیف می‌کردم که دروغ است یا فرار می‌کردم: موسیقی و جاده، موسیقی و جاده...

یادم می‌آید سال‌ها قبل، شبی با صدای ناله‌ی پدرم از خواب بیدار شدم. صدایی که هنوز در گوشم است.

پدر از درد قلب و تنگی نفس می‌نالید. آمبولانس آمد، او را به بیمارستان برد. صبح همان شب امتحان داشتم.

در راه مدرسه، دایی‌ام را دیدم که در حال گریه بود. در مدرسه کم‌کم زمزمه‌هایی شنیدم. در راه برگشت به خانه، کوچه‌ی منتهی به خانه شلوغ بود و برخی در حال گریه...

داشتم وارد حیاط خانه می‌شدم؛ چند نفر، که درست یادم نیست چه کسانی بودند، مرا بغل کردند، بوسیدند و گریه کردند. من هاج‌وواج اطراف را نگاه می‌کردم. وارد حیاط شدم؛ صدای گریه...

صدای گریه‌های مادرم. مادر بزرگم، که اسم پدرم را می‌آورد و گریه می‌کرد. و تا سال‌ها بعد، تا هنگام مرگ، از پدرم گفت و گریست. پدرم دیگر در بین ما نبود و من باور نمی‌کردم.

فکر می‌کردم همه‌ی این آدم‌های ناراحت و در حال گریه اشتباه می‌کنند. فکر می‌کردم خواب می‌بینم و دعا می‌کردم زودتر بیدار شوم. حتی بعد از تشییع پدرم، باز به خودم امید می‌دادم که او زنده است. پدرم



سنى نداشت. چهل سالگى و ايست قلبى
براى مردى با آن روحى پُر از زندگى،
سنى نبود.

او تا همين چند شب پيش شعری
می‌خواند و از من می‌خواست مصرع
دوم را بگويم:

- «تو می‌خوای بزرگ شدى، چه کاره
شى؟»

- «من می‌خوام بزرگ شدم، وکیل
بشم!»

- «تو باید درس و کالت بخونی...»

و از وکالت و رشته‌ی حقوق می‌گفت.
آن روزها من سیزده سال بیشتر نداشتم.
خردامه بود. کشور شاهد انتخاباتی
شگفتی‌ساز بود. پدرم از طرفداران خاتمی
بود؛ خوشحال از اینکه قرار است در
کشور اصلاحاتی صورت گیرد. حتی به
من، که آن زمان نوجوانی بیش نبودم،
از اندیشه‌ی خاتمی می‌گفت. امروز، در
آستانه‌ی چهل و یک سالگی، هنوز همان
سیزده ساله‌ام و آنچه را دوست ندارم،
باور نمی‌کنم و گاه، فرار می‌کنم از هر
آنچه که از آن می‌ترسم. این برگه‌های
لغنتی، که معلوم نبود از کدام جهنمی
ارسال شده‌اند، نشان می‌دادند:

دلارام مرتکب قتل عمد شده، تحت
محاكمه است و هم‌اکنون در زندان
به‌سر می‌برد.

باور نمی‌کردم. حتماً کسی با من
شوخی می‌کند...

یا تشابه اسمی‌ست...

شاید خواب می‌بینم...

سرمای شدیدی حس کردم. پنجره هنوز
باز بود. صبح شده بود. باران نمی‌بارید،
اما من بارانی بودم.

شعری از سعدی در ذهنم نقش بست:

هر که دلارام دید، از دلش آرام رفت

چشم ندارد خلاص، هر که در این دام
رفت...

دلارام چهار سال قبل از ایران رفته بود.
برای همیشه و حال، چگونه است که
اکنون در ایران، با اتهام قتل عمد؟!

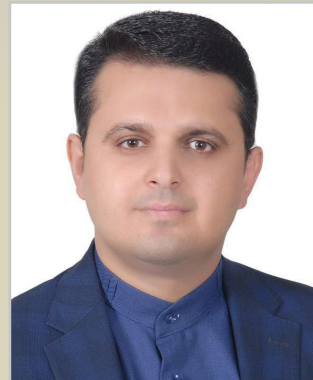
ادامه دارد...



چند روزی است که مشغول بایگانی پرونده‌های دفتر هستم. اسکن کردن این‌همه سند، مثل مسابقه‌ی دوی استقامت است؛ فقط به جای مدال طلا، یک چشم خسته و کمردرد نصیبم می‌شود! اما ورق زدن پرونده‌ها، خاطرات تلخ و شیرین زیادی را زنده می‌کند؛ از روزهایی که در راهروهای دادگاه و دادرها سپری شد گرفته، تا لحظاتی که در میان این کاغذها پنهان‌اند. همین خاطره‌بازی باعث می‌شود سختی کار کمتر حس شود.

در میان پرونده‌های زونکن سال ۹۸، پوشه‌ای توجه مرا جلب کرد؛ نام موکل (غ. ق.) روی آن نوشته شده بود، جوانی لاغراندام، خوش‌برخورد، بذله‌گو و با چشمانی رنگی، که همیشه یک لبخند بر لب داشت! ماجرای پرونده‌اش را خوب یادم است. دعوا بر سر مبلغ قابل‌توجهی بود که طرف مقابل، سال‌ها از پرداخت آن شانه خالی کرده بود. یک سال تمام در راهروهای دادگاه دویدم، شهادت شهود را جمع کردم، استدلال‌های طرف مقابل را یکی‌یکی زمین زدم و سرانجام، رأی دادگاه به نفع موکل صادر و قطعی شد. در مرحله‌ی اجرا، به اجرای احکام مراجعه کردم و بالاخره حکم جلب محکوم‌علیه، که گرفتن حکم علیه او و رسیدن به این مرحله بسیار دشوار بود، را گرفتم. تا این‌جا مثل یک فیلم اکشن پیش می‌رفت! با دریافت این حکم، لרزه به اندام محکوم‌علیه افتاد و فوراً تمام مبلغ را به صندوق دادگاه واریز کرد. دادگاه نیز اخطاریه داد که وجه قابل‌پرداخت است. هرچند با داشتن اختیار قانونی می‌توانستم مبلغ را به نام و به حساب خودم دریافت کنم، اما یک لحظه با خودم فکر کردم:

«مگر نه اینکه باید موکل این پول را بگیرد؟ چه کاری است که اول بیايد به حساب من، بعد برگردد به حساب او؟»
و این فکر که: «مگر اداره‌ی دلسوز دارایی باور



حق‌الوکاله‌ای خوشمزه

فرهاد فرهادپور :: وکیل پایه‌یک دادگستری

«مشکلی پیش آمده؟»

چند ثانیه سکوت کرد. بعد لبخندی زد؛ اما این بار، نگاه و لبخندش مثل همیشه نبود. چیزی در آن بود که مرا به فکر فرو برد. آرام گفت:

«نه، فقط داشتم فکر می کردم... چقدر عجیب است که بعضی چیزها را هیچ وقت نمی شود پس گرفت.»
در پایان، خدا حافظی کردیم. قرار شد حق الوکاله را از مبلغ دریافتی، تا فردا به حساب من واریز کند.

چند روز گذشت. گفتم حتماً گرفتار کار شده. بالاخره تماس گرفتم، اما خبری نشد. تا اینکه عصری پیام داد:
«جناب وکیل، حقیقتش توی این چند سال که طلبم وصول نشده، من خیلی ضرر کردم! همون کتف و بالاها رو جای حق الوکاله حساب کنین!»

چند لحظه مات و مبهوت به دیوار زل زدم.
«یعنی واقعاً حق الوکاله ام تبدیل به یک سینی کباب شد؟!»
آن لحظه ی مرموز در رستوران، دوباره در ذهنم زنده شد؛ آن لبخند، آن جمله ی عجیب:

«بعضی چیزها را هیچ وقت نمی شود پس گرفت...»

می کند این وجه، حق الوکاله نبوده؟!» ترجیح دادم با خودش هماهنگ کنم.

پس با او تماس گرفتم. او هم که منتظر چنین لحظه ای بود، فوراً به دادگاه آمد؛ انگار سوار بر قالی سلیمان رسید! و خوشبختانه، مبلغ مستقیماً به حسابش واریز شد.
از دادگاه ملاصدرا که بیرون آمدیم، از خوشحالی سر از پا نمی شناخت. می گفت:

«نمی دانم چطوری جبران کنم، خیلی لطف کردی، تا آخر عمر مدیونت هستم!»
جلوتر که آمدیم، ناگهان گفت:

«جناب وکیل، این خبر خوب را باید جشن بگیریم! بیا در کنار هم یک غذایی بخوریم!»

من که بعد از ماه ها دوندگی برای این پرونده واقعاً لایق یک جشن بودم، پذیرفتم. اما نمی دانستم قرار است وارد یک مسابقه ی «بیشترین سفارش ممکن» بشوم!
وارد رستوران شدیم. موکل به طرف گارسون اشاره کرد و بدون مکث گفت:

«آقا! کتف و بال سرخ شده، دو تا نوشابه ی مشکی شیشه ای، ژله، زیتون پرورده، ماست موسیر، ماست خیار...»
یک لحظه مکث کرد، نگاهی به من انداخت و ناگهان انگار جرقه ای در ذهنش زده شد:

«هفت سیخ دل و قلوه، دوغ محلی و پیاز رو هم اضافه کنید! ها... راستی، چند سیخ جگر پرده هم بزن!»
من که کم کم حس می کردم بعد از خوردن این همه غذا حال راه رفتن نخواهیم داشت، نگاهی به موکل انداختم و گفتم:

«احتمالاً بعد از این غذا تا آخر عمر، دیگر نیازی به هیچ غذایی نخواهیم داشت، چون مستقیم به کما می رویم!»
و هر دو زدیم زیر خنده.

سینی ها یکی یکی روی میز چیده شدند. چنان دود و بوی خوشی از غذا بلند می شد که حس کردم خودم هم مثل یک سیخ جگر وسط رستوران کباب می شوم! لیموترش ها را که می دیدی، آب از دهانت سرازیر می شد؛ نگم، نپرس! لحظه ای به سیخ های دل و قلوه نگاه کردم و گفتم:

«جناب موکل، این ها واقعاً غذای جشن هستند؟ انگار داریم برای یک دوره ی تمرینی در مسابقات وزنه برداری آماده می شویم!»

او که در حال خوردن بود، با دهان پر گفت:

«باید جشن رو درست و حسابی با دوست برگزار کنیم، نه مثل اون حکم دادگاه که یک صفحه ی خشک و خالی بود!»

ما مشغول غذا خوردن شدیم. وسط خوردن، یک لحظه دیدم موکل ساکت شد و عمیق به یک نقطه خیره شده است. پرسیدم:





ضرورت و رسالت شورای اقتصادی در بهبود معیشت وکلا

(به بهانه تشکیل شورای اقتصادی در کانون وکلای فارس)

محمد داودی :: وکیل پایه یک دادگستری
و عضو شورای اقتصادی کانون وکلای دادگستری منطقه فارس

کلام

با گذشت بیش از دو دهه از تداوم وضعیت اقتصادی ناپایدار در کشور، آثار این بحران نه تنها در عرصه تولید و خدمات، بلکه در حرفه وکالت نیز به گونه ای ملموس و هشداردهنده ظاهر شده است. کاهش مراجعه موکلین، افزایش هزینه های دفتری، مالیاتی و بیمه ای و نبود حمایت های ساختاری برای وکلای آسیب پذیر، تنها بخشی از چالش هایی است که امروز بدنه وکالت با آن مواجه است. در چنین شرایطی، تأسیس نهادی تحت عنوان «شورای اقتصادی» در ساختار کانون وکلای دادگستری فارس، می تواند گامی ضروری، دیر هنگام اما مؤثر برای مواجهه با این مسائل و طراحی راه حل های پایدار باشد.



بررسی اجمالی مشکلات اقتصادی وکلا

۵ - نبود حمایت های معیشتی یا تسهیلاتی ویژه برای وکلا؛ سبب شده تا حتی وکلای با سابقه نیز با مشکلات معیشتی روبرو شوند، چه رسد به کارآموزان و وکلای جوانی که تازه وارد عرصه شده اند.

جایگاه و کارکردهای شورای اقتصاد:

ایجاد شورای اقتصاد نباید به نهادی نمادین و بی اثر فروکاسته شود. این شورا باید بازوی تحلیل، برنامه ریزی و اقدام اقتصادی برای کانون باشد و نقش فعال در سامان دهی وضعیت معیشتی وکلا ایفا کند. مهم ترین کارکردهای آن

واقعیت آن است که حرفه وکالت، برخلاف تصور عمومی، در سال های اخیر به یکی از پرریسک ترین مشاغل خدماتی تبدیل شده است. عواملی همچون:

۱ - کاهش توان مالی عموم مردم و عدم امکان تأمین حق الوکاله؛

۲ - رشد تبلیغات غیرمجاز و غیرحرفه ای در فضای مجازی؛

۳ - رقابت ناعادلانه نهادهای موازی یا وابسته؛

۴ - فشارهای مالیاتی فزاینده بدون توجه به ماهیت خدماتی وکالت؛

عبارت است از:

-رصد مطلوبیت بازار خدمات حقوقی و تهیه گزارش‌های تحلیلی برای هیئت‌مدیره؛
-ارائه راهکار برای اصلاح ساختارهای صنفی و حمایت‌های اقتصادی درون‌کانونی؛
-طراحی و پیگیری ایجاد صندوق حمایت یا توسعه حرفه‌ای

و کلا؛

-تعامل مؤثر با نهادهای دولتی، بانکی و خصوصی برای تسهیل در بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی، بیمه‌ای و تسهیلات مالی؛
-تدوین شیوه‌نامه‌هایی برای تبلیغات مشروع و حرفه‌ای با حفظ شئون و کالت.

پیشنهاداتی برای آغاز به کار شورای اقتصادی

برای اینکه این شورا از همان ابتدا نقشی مؤثر ایفا کند، پیشنهادهای زیر قابل بررسی و اجراست:

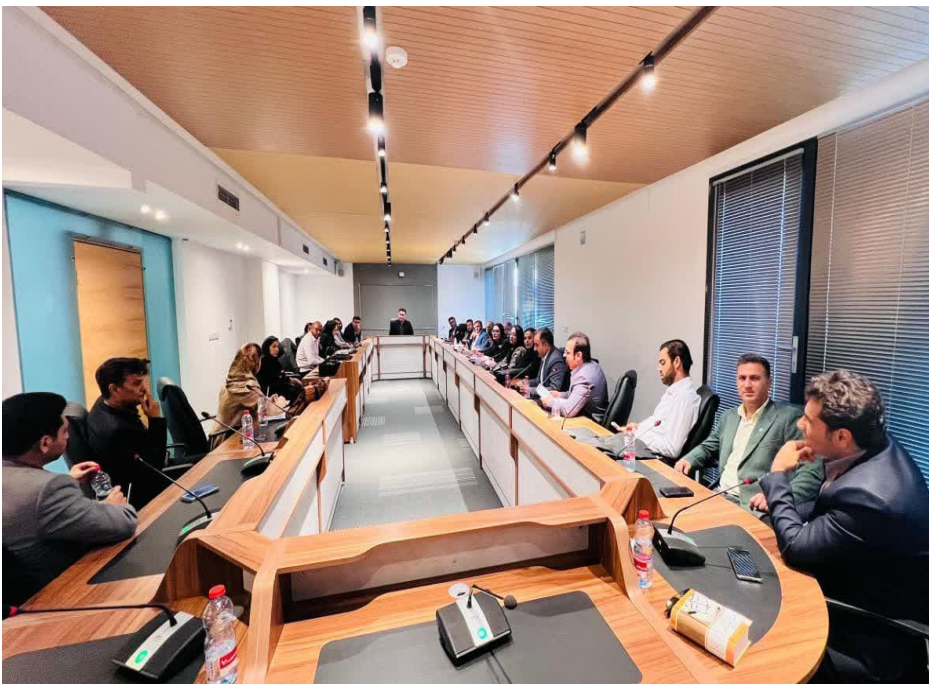
اول. ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق از وضعیت اقتصادی و کلا: گردآوری داده‌های واقعی از میزان درآمد، هزینه‌ها و نیازهای اقتصادی همکاران، گام نخست در هر برنامه‌ریزی موفق است.

دوم. برگزاری نشست‌های میان‌رشته‌ای و استفاده از دانش اقتصاددانان: تعامل با متخصصان اقتصاد و جامعه‌شناسی حقوقی می‌تواند راه‌حل‌های خلاقانه‌ای به شورا ارائه دهد.

سوم. پیگیری ایجاد صندوق حمایتی برای وکلای آسیب‌پذیر: این صندوق می‌تواند در موارد بحران‌زا مانند بیماری، حوادث یا فشارهای اقتصادی غیرمنتظره، پشتیبان و کلا باشد.

چهارم. طراحی سامانه معرفی خدمات حقوقی با تعرفه حمایتی: راهی برای ایفای مسئولیت اجتماعی و کلا و در عین حال ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر.

پنجم. مطالبه‌گری منظم و مستند در نهادهای قانون‌گذار: شورا می‌تواند سخنگوی صنف و کالت در عرصه مسائل اقتصادی در سطح استانی و ملی باشد.



تأسیس شورای اقتصادی نه یک گزینه، بلکه یک الزام برای حفظ استقلال و کرامت حرفه‌ای و کالت است. این شورا باید با حمایت هیئت‌مدیره، به نهادهای اثربخش، دارای اختیارات و با پشتوانه کارشناسی تبدیل شود. امید است با یاری همکاران گرامی و حسن نظر مسئولان کانون، این شورا بتواند به الگویی موفق برای سایر کانون‌های کشور نیز بدل گردد. اکنون زمان آن است که نه با گفتار، بلکه با اقدام، از منزلت معیشتی و کلا صیانت کنیم.



در تعارض عدالت و نیکخواهی؛ مدیر عادل یا نیکخواه؟

سعید بانشی :: وکیل پایه یک دادگستری
و عضو انجمن نویسندگان ماهنامه منشور

تا ناچار نشود باز از کسان دشمن بکشد.» این گزارش به خوبی و به زیبایی لحظه تلخ تحقق تعارض بین عدالت و نیکخواهی را به تصویر می کشد. علی بن ابی طالب (ع) از یک سو خود را در جنگی عادلانه می دید که اجتناب ناپذیری کشته شدن لشکریان دشمن امری بدیهی بود و از سوی دیگر، آن روحیه شفقت ورزی و مهرورزی اش به آدمیان، ورای هر تفاوتی، قلبش را به درد می آورد. بیشتر ما این نقل مشهور دکتر امیرناصر کاتوزیان را شنیده ایم که: اولین بار وقتی بین دوراهی قانون {عدالت} و اخلاق {نیکخواهی} قرار گرفتم، مربوط به زمانی بود که قاضی بودم و به پرونده های تخلفات رانندگی رسیدگی می کردم. پرونده پسر دوست پدرم را برایم آوردند که من و خانواده ام چند مدتی در خانه آنها تا پیدا شدن خانه جدید، میهمان بودیم. اخلاق اقتضا می کرد تا او را جریمه نکنم، ولی ندای درونم قانون را می پسندید. دکتر کاتوزیان به این فکر نکرد که لزوماً باید یکی از این دو راه را انتخاب کند و برای حل تعارض، بالاخره راه سومی یافت. او را جریمه کرد، اما برگ جریمه اش را خودش پرداخت کرد. بدین صورت هم به مقتضای عدالت عمل کرد و هم نیکخواه باقی ماند.

اگر کسی نزد ما سلاحی به امانت گذاشت و بعد خواست به قصد کشتن ناحق کسی آن را از ما بگیرد و ما نیز از قصد او آگاه باشیم، وظیفه مان چیست؟ رد امانت کنیم که «إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلی أهلها» یا عدم یاری ظالم که «لا تعاونوا علی الإثم و العداون»؟! مسامحتاً از حیث حقوقی خائن در امانت شویم تا معاون در قتل نباشیم یا معاون در قتل باشیم تا خائن در امانت نشویم؟ عدالت ایجاب می کند در امانت خیانت نکنیم و رد امانت کنیم، اما نیکخواهی سبب می شود از جان بی گناه محافظت کنیم و به یاری ظالم نشتابیم.

پاسخ در ظاهر آسان است و بر اساس قاعده «أهم و مهم» و مهم تر بودن جان انسان، خائن در امانت می شویم تا انسان بی گناهی کشته نشود. اما سؤال اینجاست که چرا

آنچه بهانه نگارش این سطور بر اوراق شد، یادآوری نقلی از استاد بهادر پهزادی در خصوص دکتر هومان پارسا بود. به یاد دارم ایشان در مجلسی به من گفتند: دکتر پارسا، علیرغم آن جلوه ظاهری و نمود بیرونی اش که صلابت و استواری است، فوق العاده رقیق القلب و احساساتی اند. شنیدن خبر ریاست دکتر پارسا بر کانون وکلای فارس و متعاقباً یادآوری این نقل و شناختم از شخصیتشان، سبب شد که فکر کنم ایشان با این روحیه، یحتمل در دوران مدیریت بارها و بارها و به کرات در موقعیتی خواهند بود که تصمیم شان به سمت یکی از این دو کفه سنگینی خواهد کرد.

اگر به مقتضای عدالت، که معمولاً خشن و تلخ است، تصمیم گیرند، در خلوت خود با آن روحیه درونی، که البته جز بر دوستانی همدل و نزدیک آشکار نیست، چه کنند و با خود چگونه کنار آیند؟ و اگر به مقتضای نیکخواهی و نرم دلی تصمیم گیرند، عدالت چه می شود که «بالعدل قامت السماوات و الارض»؟

این نوشتار اساساً در پی کنکاش آن نیست که استدلال کند عدالت ارجح است یا نیکخواهی و این که مدیر در این تعارض باید رو به کدام سو نهد؛ بلکه بحث کنونی نوشتار این است که بگویید مدیر، اولاً و لزوماً در این تعارض صرفاً با یک دو راهی مواجه نیست، بلکه راه های سوم و چهارم و پنجم و... هم هست و ثانیاً تلاش کند با تأسیس سازوکارهایی که صبغه پیشگیرانه دارد، نه اینکه اصلاً، بلکه کمتر در چنین موقعیتهایی قرار گیرد.

شمای خواننده گرامی نیز نیک واقفید که ذکر شخصیت ها نه به معنی برابرنگاری شخصیتی است و نه حتی شبیه انگاری شخصیتی و در مثال هم مناقشه نیست.

در کتاب وقعه الصفین، اثر تاریخ نگار شیعی نصر بن مزاحم که حوادث جنگ صفین را گزارش می دهد، آمده است علی بن ابی طالب (ع) شبها بر جنازه کشته شدگان لشکر دشمن می نشست و بر سر و صورت می زد و می گریست و با خود زمزمه می کرد که: «ای شب بر علی طلوع مکن



باید ذهنمان در این تعارض به همین دو راه قفل شود؟ راه سوم و چهارمی نیست؟ نمی‌شود رد امانت کرد ولی او را پند داد؟ یا بی‌گناه را مطلع ساخت؟ یا با نیرویی قوی‌تر مانع او شد؟ تا هم به مقتضای عدالت عمل کرده باشیم و هم نیکخواه باقی بمانیم؟

البته به نظر می‌رسد برای اینکه ذهن ما در تعارضات زندگی به معنای اعم و در تعارض بین عدالت و نیکخواهی که موضوع نوشتار حاضر است، صرفاً به دوراهی محصور نشود، نیاز به تربیت و آموزش و خوداندیشی داریم. هر چه خوداندیش‌تر باشیم و خوداندیشی را در خود تقویت کنیم و کمتر از القائنات و احوالات زمانه تأثیر بپذیریم، در یافتن راه‌های بیشتر برای حل تعارضات عملی زندگی موفق‌تریم. خوداندیشی اقلیم خلاقیت‌های بدیع است و مهم‌ترین خلاقیت‌های فکری و هنری با خوداندیشی حاصل می‌شود.

در بخش فراز این نوشتار بدان اشاره کردم که مدیر می‌بایست با تأسیس سازوکارهایی که صبغه پیشگیرانه دارد، زمینه قرار گرفتن در تعارض بین عدالت و نیکخواهی را برای خود، اگرچه نه کاملاً منتفی، ولی به حداقل برساند. از همین روی، باور دارم از مترقی‌ترین کمیسیون‌ها در کانون وکلای فارس، کمیسیون‌های ارزیابی شکایات و سازش است. کمیسیون ارزیابی با تشخیص شکایات واهی از غیر واهی، عملاً فقط پرونده‌هایی را به عرض ریاست کانون می‌رساند که احتمال تخلف در آن بالاست. با نظر داشت مشغله ریاست کانون و این‌که هر شکایتی بدون تصفیه قبلی به میز ریاست کشیده شود، منتج به آن می‌شود که مدیر به‌صورت غیر لازم و غیر ضروری هر روز بین عدالت و نیکخواهی تصمیم بگیرد. در پرونده‌هایی هم که تخلف منتفی است و اختلاف صرفاً از حیث مالی است، با ارجاع اختلافات به کمیسیون سازش، عملاً از گرفتاری مدیر در این تعارض تلخ کاسته می‌شود.

بیانیه کانون وکلاي دادگستری منطقه فارس

در هنگامه‌ای که جهان باید دریافته باشد صلح پایدار تنها در سایه احترام به قانون امکان پذیر است، رژیم صهیونیستی اسرائیل با نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بین الملل و تجاوز نظامی به خاک ایران، حرمت قوانین بین المللی را شکسته است.

بر اساس بند چهارم از ماده ۲ منشور ملل متحد، توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها ممنوع بوده و مطابق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل (مصوب ۱۹۷۴) هرگونه حمله نظامی یک دولت به سرزمین دولت دیگر، فارغ از توجیهات ادعایی، مصداق بارز تجاوز تلقی می‌شود و موجب مسئولیت بین المللی خواهد بود. رژیم اسرائیل با این اقدام تحریک‌آمیز و خصمانه، نه تنها اصل حاکمیت دولت‌ها را نقض کرده، بلکه با ایجاد خطر برای جان غیرنظامیان و آسیب به زیرساخت‌های غیرنظامی، امنیت انسانی، منطقه‌ای و جهانی را تهدید کرده است. چنین حملاتی، بستر ناامنی، خشونت متقابل و دور شدن از صلح پایدار را فراهم می‌سازد و با هدف غایی منشور سازمان ملل یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی تعارض دارد.

کشور ایران، مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، از حق ذاتی دفاع مشروع برخوردار است، اما آنچه اکنون ضرورتی انکارناپذیر است، واکنش فوری و مسئولانه جامعه جهانی برای توقف تجاوز، جلوگیری از تکرار آن و تحقق پاسخگویی دولت متجاوز است.

کانون وکلای دادگستری منطقه فارس، ضمن ابراز همدلی و همبستگی با ملت شریف ایران و همه قربانیان خشونت و جنگ، این اقدام تجاوزکارانه را به شدت محکوم کرده و از نهادهای بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌خواهد با ادای مسئولیت قانونی و اخلاقی خود، این نقض آشکار حقوق بین الملل را محکوم کند و مانع تکرار آن شوند و با اعمال تحریم‌ها و پیگیری‌های لازم، دولت متجاوز را وادار به پاسخگویی نمایند.

کمیسیون امور بین الملل کانون وکلای دادگستری فارس کهگیلویه و بویراحمد

At a time when the world ought to have realized that lasting peace is attainable only through adherence to the rule of law, Israel, by flagrantly violating the foundational principles of international law and committing military aggression against the territory of Iran, has desecrated the sanctity of international legal norms.

Pursuant to Article 2(4) of the Charter of the United Nations, the use of force against the territorial integrity or political independence of any state is strictly prohibited. In line with UN General Assembly Resolution 3314 (adopted in 1974), any military attack by one state upon the territory of another, regardless of any purported justification, constitutes a manifest act of aggression and entails international responsibility. Through this provocative and hostile conduct, Israel has not only infringed upon the sovereignty of a UN member state but has also endangered civilian lives and damaged non-military infrastructure, thereby jeopardizing human security and fostering instability both regionally and globally.

Such attacks pave the way for protracted insecurity, cycles of violence and a retreat from the path toward sustainable peace, standing in direct contradiction to the ultimate purpose of the UN Charter: the maintenance of international peace and security.

While Iran reserves its inherent right to self-defense under Article 51 of the UN Charter, what is now urgently required is a firm, responsible and immediate response by the international community to halt the aggression, prevent its repetition, and ensure accountability on the part of the aggressor.

***The Fars Bar Association* express its deep and unwavering solidarity with the honorable people of Iran and all victims of violence and war. We unequivocally condemn this act of aggression and call upon the international community, especially the United Nations Security Council, to fulfill its legal and moral duties by condemning this flagrant breach of international law, preventing its recurrence and holding the responsible state to account through the imposition of appropriate sanctions and the pursuit of legal accountability.**

International Affairs Committee of Fars Bar Association





گزارش عملکرد کمیسیون ها

کمیسیون بانوان

کمیسیون بانوان از ابتدای خرداد ماه ۱۴۰۴ فعالیت خود را آغاز کرد و در نخستین ماه، طی سه جلسه، اقدامات اولیه‌ای در زمینه سازماندهی داخلی، تعیین ساختار اجرایی و تدوین برنامه‌های تخصصی، آموزشی و فرهنگی انجام داد. در جلسه نخست (۱ خرداد) با حضور ریاست محترم کانون، ضمن معرفی اعضا، بر حمایت از اهداف کمیسیون تأکید شد. همچنین پیشنهاد امضای تفاهم‌نامه با نهادهای مرتبط برای ارائه خدمات پیشگیرانه به بانوان مطرح و مورد موافقت قرار گرفت. در دومین جلسه (۱۲ خرداد) پیش‌نویس ساختار و اهداف کمیسیون نهایی و برای تصویب به هیأت مدیره ارسال شد. در سومین جلسه (۲۲ خرداد) کارگروه‌های تخصصی شکل گرفت، تقویم اجرایی تصویب شد و برگزاری کارگاه‌هایی مانند «اخلاق حرفه‌ای» و برنامه‌های هنری و ورزشی در دستور کار قرار گرفت. همچنین در مناسبت‌های اجتماعی مانند روز جهانی بهداشت قاعدگی و روز جهانی مقابله با کار کودک، کمیسیون با انتشار مطالب آگاهی‌بخش، نقش فعال خود را در حوزه مسئولیت اجتماعی ایفا کرد. این اقدامات، آغاز حرکتی هدفمند برای تقویت ظرفیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و اجتماعی بانوان وکیل در منطقه فارس است.

رئیس کمیسیون بانوان - ماندانا احمدپور



کمیسیون رفاه

کمیسیون رفاه در دوره سی و چهارم، با هدف ارتقای سطح خدمات صنفی، رفاهی و تقویت ارتباط حرفه‌ای و اجتماعی وکلا، اقداماتی تخصصی و منسجم را در دستور کار قرار داده است. این کمیسیون تاکنون سه جلسه رسمی برگزار کرده و حاصل آن، دستاوردهایی به شرح زیر بوده است:

۱. تشکیل کمیته‌های تخصصی

برای تفکیک وظایف و بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های اعضا، کمیته‌هایی در حوزه‌های قراردادهای سفر، ورزش، آموزش، فضای مجازی، بیمه و تسهیلات تشکیل شد. جلسات این کمیته‌ها به صورت مستمر و گاه خارج از محل کانون برگزار شده است.

۲. تدوین آیین‌نامه داخلی

آیین‌نامه کمیسیون با هدف تعریف ساختار، شرح وظایف و ضوابط همکاری تصویب شد. همچنین در نخستین جلسه، از خدمات رئیس پیشین کمیسیون (آقای رمضان نوروزی) تقدیر به عمل آمد.

۳. انعقاد قراردادهای رفاهی

- هتل نور حیات تهران: ۳۵٪ تخفیف
- هتل پرشین تهران: ۳۵٪ تخفیف اقامت ۴۵٪ تخفیف ویژه سوئیت‌ها
- استخر کوثر: ۲۵٪ تخفیف برای وکلا

۴. مذاکرات درمانی

رایزنی برای عقد قرارداد با مراکز درمانی جهت ارائه خدمات با تخفیف ویژه به وکلا و خانواده‌ها در حال پیگیری است.

۵. سفرهای رفاهی

تور یک‌روزه به «بهشت گمشده» در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ با استقبال چشمگیر بیش از ۳۵۰ نفر از همکاران و خانواده‌ها برگزار شد.

۶. تسهیل حضور در رویدادهای ورزشی

با هماهنگی انجام شده، امکان استفاده از جایگاه ویژه در مسابقات جام جهان‌پهلوان تختی برای وکلا فراهم شد.



این اقدامات بازتابی از تلاش جمعی کمیسیون رفاه برای بهبود کیفیت زندگی حرفه‌ای، افزایش انسجام صنفی و پاسخگویی به نیازهای رفاهی اعضای کانون است.

رییس کمیسیون رفاه - خسرو شاهین

کمیسیون علمی تخصصی

نخستین نشست کمیسیون علمی تخصصی با حضور اعضای اصلی و با همراهی آقای دکتر هومان پارسا، ریاست محترم کانون و دکتر محمد مهدی هوشیار، نایب‌رئیس محترم کانون برگزار شد. در ابتدای جلسه، دکتر پارسا با تأکید بر اهمیت ساختار علمی و تخصص‌محور در پیشبرد اهداف کانون، خواستار بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت علمی اعضای کمیسیون در راستای ارتقای جایگاه آموزشی و پژوهشی نهاد وکالت شد. دکتر هوشیار نیز با اشاره به تأثیر تخصص‌گرایی در انسجام رویه‌ها، تفسیر قانون، و تعامل با جامعه علمی، از کمیسیون به‌عنوان بازوی علمی هیأت‌مدیره یاد کرد. سپس اعضا به معرفی خود و سوابق علمی، پژوهشی و حرفه‌ای پرداختند و در ادامه، دستور جلسه مورد بحث قرار گرفت. مهم‌ترین محورهای پیشنهادی عبارت بودند از:

• طراحی و اجرای دوره‌ها و آزمون‌های تخصصی برای وکلا و کارآموزان با سنجش بسندگی علمی و تعریف ضوابط صدور و تمدید پروانه تخصصی

• مشارکت علمی در تدوین محتوای حقوقی، نقد آرای قضایی و بررسی تحولات تقنینی

• برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌های تخصصی، جلسات نقد رأی و تفسیر قانون

• ارتباط ساختارمند با دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای تقنینی و قضایی

همچنین پیشنهاد شد موضوعات تخصصی مورد ارجاع از سوی هیأت‌مدیره، بر اساس حوزه و مهارت اعضا به کمیته‌های داخلی ارجاع شود. در ادامه، آقای امین اسکندرپور به‌عنوان منشور کمیسیون انتخاب شد. تشکیل کمیته‌های تخصصی درون کمیسیون نیز برای ساماندهی بهتر برنامه‌ها و بررسی عملکرد دوره‌های گذشته به تصویب رسید. در پایان، مقرر شد در نشست آتی، پیش‌نویس آیین‌نامه داخلی کمیسیون و ضوابط ارجاع موضوعات از سوی کانون مورد بررسی قرار گیرد.

دبیر کمیسیون علمی تخصصی - سیده زهرا هاشمی نیا





حیدر رضایی
وکیل پایه یک دادگستری
و عضو کمیسیون کارآموزی



الهام (شادی) مهرآفرین
وکیل پایه یک دادگستری

جلوه‌های دادگری در منظومه‌ی خسرو و شیرین



شیرینی منظومه‌ی دلکش خسرو و شیرین و جایگاه رفیع آن در شعر و ادبیات پارسی، ما را بر آن داشت تا با یاری خداوند متعال و با توجه به گستردگی و ژرفای سخن و شعر نظامی بزرگ، در هر نسخه از ماهنامه به جلوه‌ی جدیدی از دادگری و عدالت‌خواهی در این منظومه‌ی ارزشمند و تطبیق آن با وضعیت حاضر بپردازیم. پس با چنین هدفی، در این بخش عشرت خسرو در مرغزار و سیاست هرمز را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



عشرت خسرو در مرغزار و سیاست هرمز:

قضا را از قضا یک روز شادان
به صحرا رفت خسرو، بامدادان
تماشا کرد و صید افکند بسیار
دهی خرم ز دور آمد پدیدار
به گرداگرد آن ده سبزه نو
بر آن سبزه بساط افکنده خسرو

در سایه سار تاج و تخت ساسانی، خسرو جوان در مرغزاری دلگشا غرق در باده و خوشگذرانی است. شراب سرخ در جام زرینش موج میزند، اما از درد رعیت خبرش نیست، آنچنانی که با فرا رسیدن شب منزل درویشی را غصب می‌کند، اسب خود را در کشتزار سبز دهقان رها کرده، غلامش غوره کشاورز را تلف می‌کند و آواز چنگش آسایش را از مردم سلب می‌نماید.

در همین حین خبر خبط و اشتباه خسرو به پدرش هرمز می‌رسد که سایه سنگینش بر سراسر حکومت گسترده است. پادشاهی که دادگری را چون تیغی بر فراز همگان به ویژه اشراف نگاه داشته است.

جهان افروز، هرمز داد می‌کرد
به داد خود جهان آباد می‌کرد
همان رسم پدر بر جای می‌داشت
دهش بر دست و دین بر پای می‌داشت

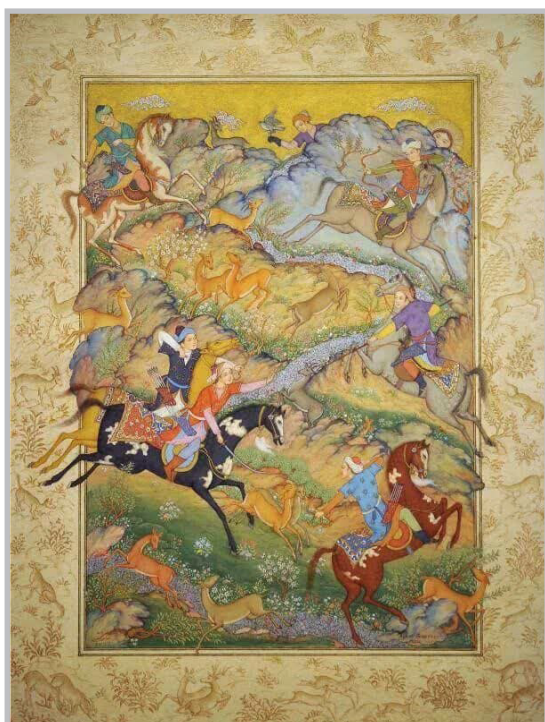
اینجاست که آزمایش سخت هرمز فرا می‌رسد و به نوعی مورد طعنه مغان قرار می‌گیرد آنجا که خطاب به او می‌گویند:

گر این بیگانه‌ای کردی نه فرزند
ببردی خان و مانش را خداوند
زند بر هر رگی فصاد صد نیش
ولی دستش بلرزد بر رگ خویش

عاقبت هرمز جامه‌ی حکمرانی را برجامه‌ی شفقت پدرانه میپوشاند و آن سخت دشوار را در مقام حاکمی که در اجرای قانون همگان را با یک دیده می‌بیند بر خود روا می‌دارد.

ملک فرمود تا خنجر کشیدند
تکاور مرکبش را پی بریدند
غلامش را به صاحب غوره دادند
گلایی را به آبی شوره دادند
در آن خانه که آن شب بود رختش
به صاحب‌خانه بخشیدند تختش
پس آن گه ناخن چنگی شکستند
ز روی چنگش ابریشم گسستند

ما با خوانش و مقایسه رفتار خسرو و مجازاتی که هرمز سزاوار فرزند خود دید به تناسب بزه با مجازات پی می‌بریم. در همین حال هرمز با اعمال مجازات، درسی سترگ به فرزند خود داد که مهم‌ترینش مشق عدالت‌پیشگی و برابری است. نظامی با نهایت شیوایی به ما می‌آموزد که حکمران نباید دادگری نزدیک و دور و این و آن شناسد. مهمترین نوع دادگری و عدالت‌پیشگی رعایت آن در برابر نزدیکان خود فرمانروا است. همان جایی که احتمال لرزش و تفسیر به نحو مطلوب خویش است. اما برخلاف آن، شاعر بال‌های عدالت را سایه سار مملکت می‌کند. این هنر نظامی است که در قالب داستانی عاشقانه، عمیقترین مفاهیم حکمرانی را به تصویر می‌کشد.



در قلمروی حکیمانه نظامی، هرمز چهره‌ای است که در جهت اداره حکومت و سرزمین راه انصاف در پیش می‌گیرد؛ پادشاهی که در اجرای قانون، چنان عمل می‌کند که گویی عدالت را تنها از آن روی که عدالت است محق می‌داند و «به داد خود جهان آباد می‌کرد».

سراینده با نازک خیالی شاعرانه و ذوقی بی‌بدیل، داستانی را به نگارگری شعر می‌رساند که زمان نمی‌شناسد و همواره مملو از یادآوری و پندهای مهمی است که توجه به آن ما را هوشیارتر می‌نماید. در همین رهگذر، در گوشه‌ای که دور از ذهن خواننده نیست شاید انصاف را نه در رعایت ظاهری مجازات بلکه رعایت باطنی تناسب جرم و مجازات بدانیم.

چراکه علی‌رغم پاسداشت اهتمام هرمز به قضاوت و عدالتی بی‌طرفانه؛ پای هیچ اسبی گناهکار نیست و برای ما روشن است که سواره‌ها گناهکارند نه اسب‌ها.

نتیجه:

این داستان تاریخی صرفاً یک درس ادبی نیست که لا به لای کتاب گم شود، بلکه آیینی است برای حکمرانان، که قدرت مسئولیت است نه امتیاز و حق شخصی. نظامی با ظرافت شاعرانه قرن‌ها پیش اصولی را بیان کرده که امروز در قوانین اساسی بسیاری از کشورها من جمله کشور ما دیده می‌شود و با زبان شعر و شور به ما می‌آموزد که:

- عدالت باید برای همه باشد و انجام مجازات عادلانه نیز برای همه‌ی بزهکاران است.
- سوءاستفاده از موقعیت و استفاده از امکانات دولتی برای مصارف شخصی علی‌الخصوص توسط درباریان، اشراف و نزدیکان حاکم جرمیست که باید مورد محاکمه متناسب و بی‌طرفانه قرار گیرد.
- مسئولیت‌پذیری شرط حکمرانی است. تنبیه خسرو از سر انتقام و کینه‌توزی نیست بلکه وظیفه‌ی حکمرانی است و این بخش از منظومه‌ی خسرو و شیرین با بیانی دلنشین به ما نشان می‌دهد که سوءاستفاده از مناصب حکومتی مانند غصب منزل دهقان و نقض حقوق شهروندان، حتی برای شاهزادگان هم تبعاتی سخت دارد. امری که امروزه منع استفاده‌ی شخصی از مناصب و اموال دولتی بازتاب دهنده‌ی آن است.
- طعنه‌ی نزدیکان آنجا که خطاب به هرمز می‌گویند «دستت بلرزد بر رگ خویش» یادآور چشم‌بند فرشته عدالت، رعایت بی‌طرفی و برابری است که نه تنها رعایت می‌گردد بلکه خطاب به ما فریاد برمی‌آورد که:



سیاست بین که می‌کردند ازین پیش

نه با بیگانه، با دردانه خویش

کنون گر خون صد مسکین بریزند

زبند یک قراضه برنخیزند

کجا آن عدل و آن انصاف سازی؟

که با فرزند از این سان رفت بازی

جهان ز آتش پرستی شد چنان گرم

که بادا زین مسلمانی تو را شرم

مسلمانیم ما او گبر نام است

گر این گبری مسلمانی کدام است؟

و در انتها؛ قدرت، برّان، خطرناک و مسئولیت‌آفرین است و حکمرانی مطلوب است که تبعیض نشناسد.

ادامه دارد...





آموزش؛ وظیفه‌ای برای ارتقاء صنف، نه ابزار جلب رای

سینا قنبری اصل :: کارآموز وکالت

در هر حرفه‌ای که بر پایه تخصص، اخلاق و استقلال بنا شده، آموزش جایگاهی محوری دارد. نهاد وکالت، با پیشینه‌ای دیرین در صیانت از حقوق ملت و حمایت از عدالت، بیش و پیش از هر صنف دیگر، نیازمند نظام آموزشی متعهد، پایدار و حرفه‌گراست. اما در سال‌های اخیر، و به‌ویژه با تحولات ناشی از قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و گشایش کم‌سابقه ظرفیت‌های پذیرش وکالت، نهاد آموزش در کانون‌های وکلا با چالش‌های جدی روبرو شده است. سیل ورود کارآموزان جدید، در کنار فقدان زیرساخت‌های متناسب، از یک‌سو و سوءاستفاده‌های تبلیغاتی و انتخاباتی از فرآیندهای آموزشی از سوی دیگر، کمیسیون‌های آموزش و کارآموزی را در معرض آزمونی دشوار قرار داده است. در این نوشتار، با نگاهی تحلیلی، به ضرورت احیای شأن آموزش در کانون وکلا پرداخته، و از خطر تقلیل آن به ابزاری برای رقابت صنفی برحذر می‌داریم.

مقدمه



آموزش وکالت؛ ساحت تربیت نه تبلیغ

کارآموزی وکالت، همان‌گونه که از عنوانش برمی‌آید، مرحله‌ای از «آموختن» و «تمرین» برای ورود به حرفه‌ای تخصصی است. در این دوره، هدف نه تنها یادگیری قواعد حقوقی، که شکل‌گیری منش حرفه‌ای و قدرت استدلال حقوقی است. مسئولیت این فرآیند، بر دوش کمیسیون آموزش و کمیسیون کارآموزی است؛ مراجع تخصصی در درون کانون که می‌بایست با استقلال و دقت، سیاست‌های آموزشی را تدوین و اجرا کنند. اما آنچه در عمل رخ داده، گاه نشانگر انحراف از این وظیفه است. برخی کلاس‌ها بیش از آنکه به ارتقای دانش حرفه‌ای اختصاص داشته باشند، بدل به محافلی برای عرض اندام تبلیغاتی برخی چهره‌ها شده‌اند. انتشار عکس‌ها، کلیپ‌ها و گزارش‌هایی که به‌جای محتوای علمی، بر چهره‌ها و شعارها متمرکزند، نشانه‌هایی است از این روند نگران‌کننده. این وضعیت، نه تنها موجب افت کیفی آموزش، بلکه باعث بی‌اعتمادی کارآموزان به فرآیند تربیت حرفه‌ای شده است.

قانون تسهیل و مسئولیت مضاعف کمیسیون‌ها

تصویب و اجرای قانون موسوم به «تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار»، با گشودن ظرفیت‌های پذیرش در آزمون وکالت، ورودی بی‌سابقه‌ای از داوطلبان را به کانون‌های وکلا تحمیل کرد. این امر، اگرچه در ظاهر بر پایه اصول رقابت و عدالت صورت گرفت، در عمل اما بدون پیش‌بینی بسترهای آموزشی، نظارتی و حرفه‌ای لازم بود. بار اصلی این حجم انبوه، بر دوش کمیسیون آموزش و کارآموزی نهاده شد. حال آنکه این کمیسیون‌ها، هم از حیث منابع انسانی و هم از جهت برنامه‌ریزی، آماده چنین شرایطی نبودند. بدتر آنکه برخی جریان‌های صنفی، با



هدف بهره‌برداری انتخاباتی، ورود این کارآموزان را «ظرفیتی انتخاباتی» تلقی کردند و نه «ضرورتی آموزشی» و به جای برنامه‌ریزی برای ارتقاء دانش فنی و اخلاق حرفه‌ای کارآموزان، همایش‌ها و دوره‌ها، در مواردی، رنگ و بوی تبلیغاتی به خود گرفت و کارآموز، که باید مخاطب اصلی آموزش باشد، به سببی برای جلب رأی تبدیل شد. از سوی دیگر، در برخی کانون‌ها، اختبار نه با معیارهای واقعی سنجش شایستگی، بلکه با مسامحه و مماشات بیش از حد و نگاه تساهل‌گرایانه برگزار شد. این روند، به‌ویژه در فضای پس از انتخابات‌های صنفی، محل نقد جدی است؛ زیرا چنین تسامحی، برخلاف فلسفه آزمون و برخلاف تکلیف ذاتی کمیسیون اختبار در پاسداری از کفایت علمی و کلاست.

احیای اقتدار صنفی از مسیر آموزش

چاره کار در بازگشت به مأموریت اصیل کمیسیون‌هاست. کمیسیون آموزش و کارآموزی، باید مستقل از فضاهای تبلیغاتی و رقابت‌های انتخاباتی، بر پایه اصول آموزشی، نیازسنجی علمی و استفاده از ظرفیت‌های اساتید برجسته عمل کند. تداوم کلاس‌ها باید تابع «برنامه»، نه «مناسبت» باشد. رویکرد آموزشی باید از شکل نمادین خارج شود و از طریق تدوین سرفصل، تعیین حداقل‌های علمی و ارزیابی منظم، اثربخشی خود را بازسازی کند. در همین راستا، کمیسیون کارآموزی نیز باید با بهره‌گیری از چهره‌های شاخص، معیارهای واقعی ارزیابی را احیا کند. نتیجه اختبار، نباید وسیله‌ای برای رضایت عمومی یا مشروعیت‌بخشی به رویکردهای صنفی باشد؛ بلکه باید برآیند دقیق صلاحیت علمی و آمادگی حرفه‌ای کارآموزان برای ورود به عرصه وکالت باشد.



نتیجه‌گیری

آموزش، نه حاشیه، که متن نهاد وکالت است. هر گاه این حقیقت از یاد برود و آموزش به ابزاری برای اهداف انتخاباتی بدل شود، هم وکیل زیان می‌بیند، هم کانون و هم جامعه. در این مسیر، بار اصلی مسئولیت بر دوش کمیسیون آموزش و کارآموزی است. بازتعریف این دو کمیسیون به‌عنوان نهادهای تخصصی و مأمور تعلیم، نه تبلیغ، و تکیه بر اصول علمی در سیاست‌گذاری، تنها راه بازسازی اعتماد صنفی و اجتماعی و ترمیم کیفیت آموزش فنون و اخلاق حرفه‌ای وکالت است.



مصاحبه اختصاصی با رییس کمیسیون طرح و برنامه کانون وکلای دادگستری منطقه فارس

از چالش‌های ساختاری تا امید به تحول

مصاحبه گر: فاطمه نعیم

عضو انجمن نویسندگان ماهنامه منشور

در شماره خردادماه ماهنامه منشور، گفت‌وگویی داریم با جناب آقای مرادخانی، رئیس کمیسیون طرح و برنامه کانون وکلای فارس، گفت‌وگویی صریح درباره مهم‌ترین چالش‌های نهاد وکالت از جمله مدیریت سنتی، نبود زیرساخت‌های آماری و نقش هوش مصنوعی در آینده این حرفه.

■ سؤال: این طرح آمار و اطلاعات دقیقاً قرار است چه کاری انجام دهد؟

پاسخ: ساده بگویم. بدون داشتن جامعه آماری، نمی‌توان مدیریت کرد. هر نوع سیاست‌گذاری، تقسیم منابع یا حتی طرح‌هایی مثل دفتر اشتراکی، خدمات معیشتی یا حتی برنامه‌ریزی برای جذب کارآموز بدون داده، بی‌پایه است. این طرح قرار است چنین پایه‌ای ایجاد کند. اگر موفق شویم آن را پیاده کنیم، آیندگان متوجه خواهند شد چه زیربنای ارزشمندی ساخته شده است. ما با بررسی میدانی نشان دادیم که در شیراز حدود ۴۰۰ نفر خارج از حوزه اشتغال خودشان مشغول کار هستند. این یعنی ظرفیت را نمی‌شناسیم، فقط در حال آزمون و خطا هستیم.

■ سؤال: درباره نحوه اداره کمیسیون هم خیلی صریح صحبت کرده‌اید. ظاهراً این کمیسیون تا حال حاضر، تک‌نفره اداره می‌شود؟

پاسخ: بله. از ابتدا گفتم اگر کسی می‌خواهد عضو کمیسیون طرح و برنامه شود، باید خودش یک طرح مکتوب و روشن داشته باشد. اما دریغ از یک طرح! هیچ‌کس با دست پر نیامد. من هم ترجیح دادم به جای اتلاف وقت، شخصاً جلو بروم. البته از همکاری

■ سؤال: از دید شما در مقام ریاست کمیسیون طرح و برنامه، بزرگ‌ترین چالش امروز نهاد وکالت چیست؟

پاسخ: بدون تردید مهم‌ترین مشکل، فرسودگی ساختاری در مدیریت نهاد وکالت است. سال‌هاست که حرف از تحول می‌زنیم، اما در عمل چیزی تغییر نکرده. هیچ زیرساختی برای این تحول طراحی نشده. از کمیسیون‌ها گرفته تا نحوه تصمیم‌گیری، همه‌چیز سلیقه‌ای، کوتاه‌مدت و بی‌برنامه است. ما همچنان با ذهنیت سنتی این نهاد را اداره می‌کنیم.

■ سؤال: کمیسیون شما چه اقداماتی برای مقابله با این وضعیت انجام داده؟

پاسخ: ما از روز اول گفتیم اگر قرار است تغییری ایجاد شود، باید از زیرساخت شروع کنیم. به همین دلیل تمرکز را گذاشتیم روی طراحی طرح جامع آمار و اطلاعات وکلا. چون معتقدم تا زمانی که ندانیم دقیقاً در کجا ایستاده‌ایم، نمی‌توانیم راهی برای جلو رفتن ترسیم کنیم.

ما حتی نمی‌دانیم چند نفر از وکلا دفتر دارند، متأهل‌اند، خانه دارند، چند سال سابقه دارند، درآمدشان از کجاست یا آیا شغل دوم دارند یا نه.

منتقل کند. هوش مصنوعی می تواند داده بدهد، اما نمی تواند دفاع خلق کند.

■ سوال: بعضی از همکاران از کمیسیون طرح و برنامه انتظار اشتغالزایی دارند. دیدگاه شما چیست ؟

پاسخ: صراحت می گویم: کانون وکلا هیچ تکلیف قانونی برای ایجاد اشتغال ندارد. ما می توانیم تسهیل گر باشیم، بسترهایی بسازیم، مثلاً یک بازار خدمات حقوقی راه بیندازیم، اما اینکه وظیفه ما باشد شغل ایجاد کنیم، نه، این وظیفه ما نیست. اشتغال با اقتصاد پیوند دارد. راهش این است که همکاران با سرمایه های خرد وارد مشارکت شوند و پروژه های اقتصادی شکل بگیرد.

■ سوال: آیا کانون وکلا باید از مشاوران خارج از نهاد استفاده کند؟ چه موانعی وجود دارد؟

پاسخ: قطعاً باید استفاده کند. مدیر قرار نیست همه چیز را بداند، اما مسئله اصلی فقدان بودجه و ساختار برای چنین همکاری هایی است، اگر بخواهید کارشناس بیرونی بیاورید، هیچ ضمانتی نیست که هزینه اش در هیئت مدیره تصویب شود یا بعدها با هجمه مواجه نشوید که ”چرا خروجی نداشت؟“.

■ سوال: و در پایان، اگر بخواهید یک جمله خطاب به اعضای مجمع بگویید، آن جمله چیست؟

پاسخ: مجمع ظرفیت انسانی بی نظیری دارد. اگر هر یک از ما فقط ده میلیون تومان برای یک پروژه جمعی بیاوریم، با سرمایه ای چون ۶۰ میلیارد تومان، می توانیم تحولی اقتصادی در کانون ایجاد کنیم. اما شرطش همدلی و دوری از رقابت های فرساینده است. تبدیل و تجمیع سرمایه های راکد و پراکنده به سرمایه ای مولد و هدفمند سخن من با مجمع است.

که توان و دانش دارند به شکل موضوع محور استفاده می کنم، اما ساختار رسمی کمیسیون، در حال حاضر عملاً یک نفره است.

■ سوال: در یکی از بخش ها اشاره کردید که حتی تقسیم کارآموزان هم بدون مبنا انجام می شود. منظورتان چیست؟

پاسخ: دقیقاً همین طور است. هنوز هم در کمیسیون کارآموزی وقتی می خواهند کارآموز تقسیم کنند، هیچ معیاری ندارند جز سلیقه. یک وکیل ممکن است دفتری نداشته باشد اما ۱۵ کارآموز به او واگذار شود و دیگری با ۳۰ سال سابقه، بدون هیچ مسئولیت آموزشی باقی بماند.

■ سوال: موضوع هوش مصنوعی در نهاد وکالت یکی از بحث های روز است. شما در این باره چه نظری دارید؟

پاسخ: به نظرم هوش مصنوعی ابزاری بسیار مفید اما ناقص است. در فرآیند تقسیم کارآموزها از هوش مصنوعی برای طراحی فرمول و وزن دهی استفاده کردیم.

اما باور دارم که وکالت یک هنر است، نه فقط پردازش داده. وکیل باید هنرمند باشد، مدیریت صحنه بداند، میزانشن را بفهمد، احساس را



گزارش تصویری

در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، به همت کمیسیون رفاه کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد، تور یکروزه به مقصد گردشگری *بهشت گمشده* با حضور پرشور بیش از ۳۵۰ نفر از وکلا و خانواده‌های محترم ایشان برگزار شد.

این برنامه که در فضایی صمیمی و با استقبال بی‌سابقه برگزار گردید، فرصت مغتنمی برای تقویت همدلی و تعامل میان اعضای محترم جامعه وکالت فراهم ساخت و با لحظاتی خوش و خاطره‌انگیز همراه بود.





کمیسیون حمایت از وکلای کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویر احمد

✦ مصطفی انصاری، رئیس کمیسیون حمایت از وکلا ✦

با توجه به افزایش موارد تهدید، خشونت، تعقیب‌های غیرموجه و مشکلات حرفه‌ای که وکلای دادگستری با آن مواجه هستند، ضرورت تشکیل نهادی کارآمد برای صیانت از شأن و جایگاه حرفه و کالت بیش از پیش احساس می‌شود. بر همین اساس، «کمیسیون حمایت از وکلا» در کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویر احمد تأسیس و به‌عنوان بازوی حمایتی هیئت‌مدیره آغاز به کار کرد. آیین‌نامه این کمیسیون در سال ۱۳۹۷ مشتمل بر ۱۲ ماده و ۵ تبصره به تصویب رسید.

مطابق ماده ۲ آیین‌نامه، کمیسیون مأموریت دارد با بررسی وضعیت صنفی و اجتماعی وکلا و کارآموزان، شناسایی چالش‌ها، ایجاد



ارتباط مؤثر با نهادهای مسئول و انجام اقدامات حمایتی، از حقوق صنفی آنان صیانت نماید.

✦ اهداف اصلی کمیسیون:

۱. تقویت حس امنیت شغلی و صنفی و ایجاد ارتباط ساختاریافته میان وکلا و کانون؛
۲. ارائه حمایت‌های حقوقی در مواجهه با تعقیب، تهدید یا تعرض؛
۳. هماهنگی با سایر کمیسیون‌ها برای ایجاد جبهه واحد حمایتی؛
۴. پیگیری موارد مغایر با شأن نهاد و کالت و انعکاس آن به مراجع ذی‌ربط؛
۵. پیشنهاد اصلاحات ساختاری و آیین‌نامه‌ای جهت ارتقاء عملکرد کمیسیون.

تیم فوتبال کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد در پنجمین دوره مسابقات فوتبال کانون‌های وکلای سراسر کشور که به‌مناسبت گرامی‌داشت سالروز استقلال کانون وکلا با تاخیر برگزار شد، حضور یافت. این دوره از رقابت‌ها به میزبانی کانون وکلای مازندران در شهر رامسر و با شرکت ۷ تیم مرکب از کانون‌های فارس، مازندران، خوزستان، تهران، کرج، تبریز و اصفهان برگزار گردید.

این مسابقات پیش‌تر در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به میزبانی فارس، در سال ۱۴۰۰ به میزبانی کرج و در سال ۱۴۰۲ به میزبانی اصفهان برگزار شده بود و اکنون در پنجمین دوره، رامسر میزبان این رویداد ورزشی شد. حضور پررنگ تیم کانون فارس در این دوره نیز در ادامه‌ی تلاش‌های این کانون برای ترویج نشاط و تعامل بین کانون‌ها قابل توجه است. شایان ذکر است تیم فوتبال کانون فارس در ادوار گذشته این مسابقات دو مرتبه در جایگاه نخست مسابقات قرار گرفت و یک بار نیز به مقام سوم دست یافت.

دوره پنجم از مسابقات اما با توجه به شرایط جنگی نیمه تمام ماند.



❖ ساختار داخلی کمیسیون:

کمیسیون حمایت از وکلا شامل چهار کمیته تخصصی است:

- کمیته پذیرش: بررسی فوری درخواستها و نیازهای حمایتی وکلا؛
- کمیته پژوهش: تحلیل آماری و حقوقی مسائل و ارائه راهکارهای علمی؛
- کمیته اجرایی: پیگیری مصوبات و ارائه خدمات حمایتی و معاضدت؛
- کمیته مذاکرات: تعامل با نهادهای مراجع برای رفع مشکلات صنفی وکلا.

❖ اقدامات و برنامه‌های دوره جدید:

با رویکردی فعال و ساختارمند، کمیسیون اقدامات زیر را در دستور کار قرار داده است:

۱. معرفی عمومی ساختار، اهداف و مسیرهای ارتباطی کمیسیون به جامعه وکالت؛

۲. راهاندازی تلفن گویای چهار رقمی برای دریافت نظرات،

پیشنهادها و گزارش مشکلات همکاران؛

۳. ایجاد گروه رسمی واتس‌اپی جهت اطلاع‌رسانی و ارتباط مؤثر؛

۴. برگزاری جلسات بررسی هفتگی پرونده‌های حمایتی با هماهنگی هیئت‌مدیره؛

۵. اصلاح آیین‌نامه کمیسیون با هدف پیش‌بینی

حمایت‌های معاضدتی در دعاوی حقوقی و انتظامی؛

۶ همکاری با کمیسیون‌های رفاه، آموزش، کارآموزی و

معاضدت برای هم‌افزایی حمایتی؛

۷. حمایت حقوقی عملی از وکلایی که در فرآیند رسیدگی

قضایی با تهدید یا فشار مواجه شده‌اند؛

۸. گسترش شبکه کمیسیون از طریق افزایش اعضا

و ایجاد نمایندگی در شهرستان‌های استان فارس و

کهگیلویه و بویراحمد، به‌ویژه تشکیل نمایندگی فعال در

استان کهگیلویه و بویراحمد به‌منظور تسهیل دسترسی و

ارتباط مؤثر با همکاران آن منطقه.

کمیسیون حمایت از وکلای کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی، انسجام ساختاری و پشتیبانی هیئت‌مدیره، در جهت صیانت از حیثیت حرفه‌ای، امنیت شغلی و حقوق صنفی وکلا گام برمی‌دارد. این کمیسیون امیدوار است با مشارکت فعال همکاران، به نهادی ماندگار، مؤثر و قابل اتکا در ساختار نهاد وکالت تبدیل شود.

اعضای کمیسیون حمایت از وکلا



مصطفی انصاری - رئیس



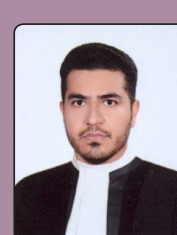
الهه کیانی - دبیر



آرمان سهرابی - عضو



تورج پارسایی - عضو



بهروز سلیمانی - عضو



حمزه منفرد - عضو



سعید وحید نژاد - عضو



سمیه زمانی - عضو



مریم پورحسینی - عضو



مهدی صفری - عضو

ریاست محترم اتحادیه بین‌المللی وکلا (IBA)

با سلام و احترام صمیمانه از ایران

با احساس عمیق مسئولیت حقوقی و اخلاقی، این نامه را در واکنش به تجاوز نظامی اخیر رژیم اسرائیل به خاک ایران، به‌ویژه هدف قرار دادن عمارت‌های دولتی و وزارت دادگستری در پایتخت کشورمان، به حضورتان تقدیم می‌داریم.

مطابق بند ۴ از ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور به‌صورت مطلق ممنوع بوده و نقض آشکار حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. اقدامات اخیر رژیم اسرائیل که به روشنی نقض حاکمیت ملی کشور ایران و تهدید



مستقیم زیرساخت‌های غیرنظامی بود، مصداق بارز تجاوز نظامی بر اساس قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۱۹۷۴) به شمار می‌آید.

هدف قرار دادن آگاهانه ساختمان وزارت دادگستری تهران، نه تنها نقض فاحش اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به اهداف غیرنظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه به‌وضوح یک جنایت جنگی محسوب می‌شود.

با توجه به نقش بنیادین کانون‌های وکلای دادگستری در حمایت از حاکمیت قانون، محکومیت استفاده غیرقانونی از زور و دفاع از جان غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه، از اتحادیه بین‌المللی وکلا تقاضا داریم:

- واکنشی قاطع و درخور نسبت به این اقدام غیرقانونی و خشونت‌آمیز نشان داده و حمله به نهاد قضایی ایران را صراحتاً محکوم فرمایید؛
- همبستگی خود را با جامعه حقوقی ایران، کانون‌های وکلای دادگستری و مردم غیرنظامی آسیب‌دیده اعلام فرمایید؛
- اقدامات بین‌المللی مؤثر را برای پاسخ‌گو ساختن متجاوز و جلوگیری از تکرار چنین فجایعی پیگیری فرمایید.

ما بر این باوریم که اتحادیه بین‌المللی وکلا همان‌گونه که همواره در دفاع از عدالت و نظم حقوقی بین‌المللی پیشگام بوده، در این برهه حساس نیز می‌تواند صدای رسا و اخلاق‌محور جامعه جهانی حقوق‌دانان باشد.

باشد که صلح در میان همه ملت‌های جهان برقرار و پایدار بماند.

با تقدیم احترام

کمیسیون امور بین‌الملل کانون وکلای دادگستری فارس

Dear President of the International Bar Association (IBA),

Warm greetings and due respect from Iran.

With a profound sense of legal and moral responsibility, we hereby address this letter in response to the recent military aggression by Israel against the territory of Iran, specifically, the deliberate targeting of the Tehran Justice Ministry building in our nation's capital.

In accordance with Article 2(4) of the United Nations Charter, the use of force against the territorial integrity or political independence of any state is strictly prohibited and constitutes a flagrant breach of international law. The recent actions by Israel, which blatantly violated Iran's sovereignty and directly endangered non-military infrastructure, are a clear example of military aggression as defined under United Nations General Assembly Resolution 3314 (1974).

The deliberate targeting of the Justice Ministry building in Tehran not only represents a grave breach of the principle of distinction and the prohibition against attacks on civilian objects under international humanitarian law, but also constitutes a manifest war crime.

Given the foundational role of bar associations in upholding the rule of law, condemning the unlawful use of force and protecting civilians during armed conflict, we respectfully urge the International Bar Association to:

- Issue a firm and appropriate response to this unlawful and violent act and publicly condemn the attack on Iran's judicial institution;
- Express solidarity with Iran's legal community, national bar associations and the affected civilian population;
- Undertake effective international measures to hold the aggressor accountable and prevent the recurrence of such catastrophic actions.

We firmly believe that the International Bar Association, as a pioneering advocate for justice and the international legal order, can once again, in this critical moment, serve as the strong and ethical voice of the global legal community in defense of justice and international norms.

May peace prevail among all nations of the world.

With utmost respect,

International Affairs Committee of the Fars Bar Association



بزرگداشت

ملا صدرا



زمین امانت فرزندان ماست ؛ نگهدار آرامش درختان،
نفس رودخانه ها و سکوت کوهستان باشیم.

